

جنبش انقلابی، قیامهای سراسری تمرین انقلاب، تمرین دموکراسی

همزمان با افزایش قیمت ارز و تشدید رکود اقتصادی در ایران، روز یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴ تجمعهای اعتراضی در بازارهای مختلف تهران شکل گرفت. معترضان در تقاطع خیابانهای جمهوری و حافظ تهران، و در پاساژهای چارسو و علاءالدین شعارهای اعتراضی سردادند. در بازار شوش هم مغازه داران به نشانه اعتراض مغازه های شان را ترک کردند و در خیابان تجمع کردند. از بازار آهن شوش هم گزارشهایی مبنی بر اعتراض و تعطیلی مغازه ها منتشر شد.

به گزارش ایسنا، معترضان با تجمع در خیابان جمهوری اسلامی و بستن مغازه های خود، نسبت به نوسانات شدید نرخ ارز و آسیب رسیدن به بازار موبایل اعتراض کردند.

بدین ترتیب حرکت اعتراضی بازاریان آخرگري بود که خرمن خشم و نفرت میلیونها تن از زنان و مردان ایران زمین را به آتش کشید.

از روز یکشنبه ۷ دی تا یکشنبه ۲۱ دی، میلیونها شهروند، به طور عمده تهیدستان و فرودستان در صدها شهر در تمام استانهای کشور، خشم و نفرت خود را در بیش از هزار تجمع، راهپیمائی و تهاجم به مراکز ارتجاع، خرافات و سرکوب، نشان دادند. رسانه حکومتی هم میهن در شماره روز سه شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴ نوشت: «اگر به نقش زنان در این اعتراضات توجه کنیم؛ زنان را در خط مقدم کنشگری مطالبه گرایان و در میان نارضایتی و عصیان می بینیم.»

در برابر گسترش جنبش انقلابی در ابعاد میلیونی، خامنه ای مثل همیشه به سرکوب بی آمان، به ویژه در روزهای پنجشنبه و جمعه پنجشنبه ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴، متوسل شد و هزاران تن از ایرانیان خشمگین به شمول کودکان، نوجوانان و زنان و مردان میان سال را به قتل رساند. گرچه باوجود قطع اینترنت، هنوز ابعاد جنایت استبداد دینی و در راس آن ولی فقیه روشن نشده، اما ارزیابیهای اولیه نشان می دهد که در این پیکار انقلابی هزاران تن به قتل رسیده یا مجروح شده اند. با گرامی داشت نام و یاد این شهیدان، از جانب سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، به هموطنانم تسلیت گفته و همدردی با خانواده شهیدان را اعلام می کنم.

مهدی سامع

سه شنبه ۳۰ دی ۱۴۰۴ - ۲۰ ژانویه ۲۰۲۶

یادداشت سیاسی...

«هزار باده ناخورده در رگ تاک است»*

مهدی سامع

صفحه ۲



بیانیه های سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در رابطه با قیام دی ۱۴۰۴

صفحه ۳

همآیش بزرگداشت پنجاه و پنجمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

یک سال پرتلاطم در پیکار برای انقلاب، دموکراسی و سوسیالیسم



شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ - ۱۴ فوریه ۲۰۲۶

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با شرکت کنندگان

شعرخوانی و اجرای ترانه سرود - کارگاه هنر ایران

ساعت ۱۶ تا ۲۰ به وقت اروپای مرکزی / کلن - آلمان

Rosenzweigweg 1 - Kohn - Germany

بخش همزمان همآیش در شبکه فیس بوک

اتحاد عمل باندهای قدرت:

گلوله سهم مردم، ثروت برای

سهامداران هر م قدرت

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

اسامی شماری

از کودکان شهید (زیر ۱۸ سال)

صفحه ۹

در این شماره :

صفحه ۸	چالشهای معلمان (دی ۱۴۰۴) - فرنگیس بایقره
صفحه ۱۰	رویدادهای هنری ماه
صفحه ۱۲	جنبش رنگین کمان بی شماران (دی ۱۴۰۴) - پویا رضوانی
صفحه ۱۶	زنان در مسیر رهایی (دی ۱۴۰۴) - اسد طاهری
صفحه ۱۸	دانشگاه در ماهی که گذشت (دی ۱۴۰۴) - کامران عالمی نژاد
صفحه ۲۴	یادواره شهیدان فدایی - امیر ابراهیمی
صفحه ۲۴	شهیدای فدایی بهمن ماه

آزادی را نمی توان پس گرفت؛

آزادی با سماجت ساخته می شود

ستوده

صفحه ۷

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

«هزار باده ناخورده در رگ تاک است»*

مهدی سامع



یک بار دیگر مردم سلحشور ایران خیابانها را فتح کردند تا تنفر و انزجار خود از ضحاک خون آشام زمان را با عالی ترین شکل نشان دهند. بخشهای گوناگون جامعه و به ویژه فرودستان با پرچم آزادی و عدالت به میدان آمدند تا انقلاب و دمکراسی را تمرین کنند. سه سال و اندی پس از جنبش انقلابی که به نام «ژینا» به ثبت رسید، شش سال پس از خیزش خونین آبان با هزار و پانصد شهید طی و هشت سال پس از دی ماهی که تاریخ ایران زمین را ورق زد، دی ماه جدیدی با گامهای استوار زنان و مردان دلیر، از جوانان نسل «زد» تا نوجوانان نسل «آلفا» تا سالخوردگانی که اندوه سفره غارت شده خانواده های شان را با مشت‌های گره کرده نشان دادند، آفریده شد.

تعداد پُرشمارى از هنرمندان و ورزشکاران شرافتمند برای اجرای پُرشکوه ترین حماسه های هنری، ورزشی و صد البته اخلاقی، شانه به شانه زنان و مردانی که در برابر مزدوران سراپا مسلح، راس هرم قدرت را نشانه گرفته بودند، قرار گرفتند. برای انتقام از این انسانهای شریف، بیدادستانی تهران از تشکیل پرونده علیه ۱۵ چهره ورزشی و «۱۰ امضاکننده بیانیه خانه سینما و ۶۰ کافه» به خاطر آن که آنها «حامی مستقیم و غیرمستقیم» مردم بپاخاسته بودند، خبر داد. (تسنیم، دوشنبه ۲۹ دی ۱۴۰۴)

در جریان پیشرفت جنبش انقلابی، نشانه هایی از نافرمانی نیروهای سرکوب دیده شد. این نافرمانیها گرچه فراگیر نبود، اما هشدار دهنده و برای نظام خطرناک بود. یک مقام امنیتی در شبکه یک صدا و سیمای ولی فقیه گفت: «ماموران و اعضای بسیج که امروز [پنجشنبه ۱۱ دی ۱۴۰۴] از برابر اغتشاشگران در فولاد شهر متواری شدند، حتما بازخواست خواهند شد.»

خامنه ای برای کنترل و جلوگیری از نافرمانی نیروهای میدانی سرکوب و برای درهم شکستن خروش پُرتوان محرومان و ستمدیدگان، مزدوران برون مرزی اش را فراخواند و آنان را برای کشتار بی امان، روانه خیابان کرد و با استفاده ردیالنه از توهم ایجاد شده برای پیروزی چند روزه که رضا پهلوی به نیابت از نتانیاهو ایجاد کرده بود، چندین هزار تن از زنان و مردان بپاخاسته را به خون کشید. خامنه ای با این کشتار بی رحمانه، کشتار در ماه دی سال نود و شش، آبان نود و هشت و پانزیر چهارصد و یک را در ابعادی کلان تر تکرار کرد تا به ولایت ننگینش ادامه دهد.

روزنامه ساندی تایمز در گزارشی کشتار مردم معترض را «وحشیانه ترین سرکوب رژیم ایران در ۴۷ سال» گذشته دانسته است. در این گزارش با استناد از آمار پزشکان داخل ایران (تهیه شده توسط شبکه پزشکان با کمک پروفیسور امیر پرستا، جراح چشم ایرانی-آلمانی)، نوشته شده که دستکم ۱۶ هزار و ۵۰۰ معترض ایرانی توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی کشته و ۳۳۰ هزار معترض ایرانی دیگر زخمی شده اند که بیشتر آنها در دو روز کشتار (پنجشنبه ۱۸ و جمعه ۱۹ دی) بوده است.

قالیباف، سرکرده اشغالگران بهارستان در روز دوشنبه ۲۹ دی در سخنانی گفت: در روزهای پنجشنبه و جمعه «جنگ شهری، حملات مسلحانه و قتل چند هزار نفر از مردم» رخ

باعث شده به جای این که اصلاح کنیم بدتر شده، هر تصمیمی اگر ما می‌گیریم روند را دارد بدتر می‌کند، حداقل نباید ادامه دهیم...» (تلویزیون حکومتی، ۲ دی ۱۴۰۴)

سه روز پیش از اعتلای جدید شرایط انقلابی، سرکرده انتظامی استان لرستان خبر از ضربه به هنجارشکنان با اجرای طرح «آرامش در شهر» داد و تاکید کرد: «در راستای برخورد با تخلفات و هنجارشکنیهای اجتماعی، ۷۳ دستگاه خودرو و موتورسیکلت هنجارشکن و فاقد مدارک، با پلاک مخدوش و دارای تخلفات مؤثر توقیف شد. پلیس با تمام توان و با همکاری مردم و حمایت دستگاه قضائی، اجازه نخواهد داد عده ای با اقدامات مجرمانه، امنیت و آرامش مردم را خدشه دار کنند و اجرای چنین طرحهایی با جدیت ادامه خواهد داشت.» (ایسنا، پنجشنبه، ۴ دی ۱۴۰۴)

وسایت انتخاب در روز دوشنبه ۱ دی ۱۴۰۴، حرفهای علی رضا علوی تبار، از اصلاح طلبان حکومتی را منتشر کرده است. او شرایط را «آستانه فاجعه» تعریف می‌کند و می‌گوید:

«ما یک اقلیت حاکم داریم، اقلیتی که نوسانهای مختلف سیاسی بر آن اثر نمی‌گذارد، چون اساساً حاصل انتخابات نیست با فرایندهای دیگری در قدرت قرار می‌گیرد این اقلیت سر جای خودش مانده وضع موجود به شدت با منافع آن در هم تنیده شده به همین دلیل حفظ وضع موجود برایش اولویت بقیه در صفحه ۶

داده و هم چنین نیروهای بسیج و انتظامی در درگیریها آسیب دیده‌اند.

سرانجام خامنه ای در روز شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۴، به کشتار «چند هزار نفر» اعتراف کرد. خامنه ای گفت: «فتنه را خاموش کردیم اما این کافی نیست آمریکا باید پاسخگو باشد وزارت خارجه و دستگاههای مرتبط باید دنبال کنند... ملت [بخوانید نیروهای سرکوبگر ایرانی، عراقی، افغانستانی و...] همانطور که کمر فتنه را شکست، کمر فتنه‌گر را هم باید بشکنند...»

پیش زمینه ها

به غیر از مخالفان حکومت، کارگزاران نظام طی یک سال گذشته به وفور پیرامون بحرانی که سراپا و تار و پود جامعه را فراگرفته سخن گفته و یا تحلیل ارایه داده اند که در این یادداشت تنها به چند مورد پرداخته می‌شود.

چند روز پیش از برآمد جدید جنبش انقلابی، پزشکیان در بهارستان اشغالی در مورد یکی از ابربحرانها گفت: «وضعیت آب در کشور جزء مسائل حیاتی و خیلی فوری است اگر نتوانیم مدیریت کنیم مشکلاتی که می‌تواند به وجود بیاید به این سادگی قابل درمان نیست... ما یک جا را درست می‌کنیم ده جای دیگر ممکن است به خاطر این دخالتهای ما صدمه ببینند... قانون مشکل ما را حل نکرده و بدتر کرده، باید برگردیم به خودمان نگاه کنیم که چه تصمیمی گرفتیم که

بیانیه های سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در رابطه با قیام دی

بیانیه شماره ۲

تو دهنی محکم بازار تهران به خامنه ای در دهمین روز قیام سراسری

امروز سه شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴ در فراز جدیدی از اعتلای جنبش انقلابی مردم ایران، بازار تهران با شعار «آزادی آزادی آزادی» بر دهان خامنه ای کوبید تا نتواند با دوگانه سازی «اعتراض» و «اغتشاش» در جبهه متحد خلق ایجاد شکاف کند.

ولی فقیه نظام در هفتمین روز جنبش انقلابی جاری با تملق گویی از بازار حکم سرکوب صادر کرد. از آن روز تاکنون خروش قهرمانانه زنان و مردان ایران زمین با شعار «مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای» و... ادامه داشته و سرکوبهای بی امان و کشتارهای وحشیانه قادر به مهار کُش پرتوان مردم نشده است.

همزمان با بازار تهران، شهروندان در ملکشاهی، شهرکرد، بروجرد، آبدانان، مشهد، اصفهان، شیراز و... خیابانها را به میدان نبرد برای سرنگونی نظام حاکم تبدیل کرده اند.

نیروهای سرکوبگر تحت امر خامنه ای با شلیک مستقیم گلوله های جنگی تاکنون دهها تن از شهروندان ایران زمین را به شهادت رسانده و در اقدامی ضدانسانی و شرم آور به چند بیمارستان برای دستگیری مجروحان حمله کرده اند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خشونت سازمان یافته و مرگبار علیه معترضان را محکوم کرده و خواستار واکنش قاطع سازمان جهانی بهداشت در برابر یورش تبهکاران حاکم بر ایران به مراکز درمانی است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
سه شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴ - ۶ ژانویه ۲۰۲۶

بیانیه شماره ۳

پیکار علیه سرکوبهای بی امان و کشتارهای ددمنشانه

گسترش قیامهای توده ای در سراسر کشور، برآمدهای پرشکوه زنان و مردان ایران زمین در شبهای تاریک میهن و ورود جنبش انقلابی به دوران سرنوشت ساز، ولایت خامنه ای را آن چنان دچار وحشت کرده که دست به هر جنایتی می زند. اخبار تکانهنده از قتل عام بیش از ده هزار تن از شهروندان به شمول کودکان در خیابانها، دستگیری چند ده هزار تن از معترضان و طراحی محاکمات صحرایی و اعدامهای دسته جمعی در زندانها به دستور از ای جنایتکار با عنوان «خونخواهی»، ربودن پیکر شهیدان جنبش از بیمارستانها، قطع کامل اینترنت و اعمال سانسور بی سابقه، راهکار سرکوبگران جمهوری اسلامی برای مهار انقلاب رهایی بخش مردم ایران است. خامنه ای گمان می کند که با قطع کامل اینترنت می تواند خروش پرتوان توده های محروم و ستمدیده را خاموش کند. اما اخبار منتشر شده پیرامون خیزشهای توده ای در چند روز گذشته نشان می دهد که کشتارهای ددمنشانه نتوانسته صدای خیابان را خفه کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با اعلام نفرت و انزجار از جنایت تکان دهنده ولایت خامنه ای، سرکوبهای گسترده در شانزده روز گذشته را محکوم می کند.

ما در مورد اعدام دستگیر شدگان اعتراضهای اخیر و زندانیان سیاسی هشدار می دهیم و آزادیخواهان سراسر جهان را به اعتراض علیه کشتار، به هر شکل ممکن فرا می خوانیم.

ما از اقدام پارلمان اروپا در مورد ممنوعیت ورود کارگزاران و مزدوران رژیم ایران به این نهاد اروپایی حمایت کرده و خواستار اخراج سفرای رژیم جمهوری اسلامی از کشورهای اروپایی و بستن سفارتخانه آنان و فراخواندن نمایندگان خود از ایران هستیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یاد و نام شهیدان جنبش انقلابی را گرامی داشته و با همدردی و ادای احترام به خانواده شهیدان، مردم ایران را فرا می خواند که آنان را تنها نگذارند.

راه رهایی با مردم متحد هموار می شود و پیروزی از آن توده های بیپاخاسته است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
سه شنبه ۲۳ دی ۱۴۰۴ - ۱۴ ژانویه ۲۰۲۶



بیانیه شماره یک

خیزش دی ماه: تمرین انقلاب، تمرین آزادی

یک بار دیگر زنان و مردان ایران زمین با گامهای استوار خیابان را از آن خود کردند و با مارش پرشکوه فرودستان، عینی ترین حقیقت جامعه ایران را بدون هرگونه بَرک حکومت ساخته در کف خیابان به نمایش گذاشتند. فریاد «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه ای» آنها تجلی این واقعیت است که خلق دلیر ایران و به ویژه فرودستان و تهیدستان، نظام ننگین ولایت فقیه را بر نمی تانند و برای «نان، کار، آزادی» پیکار می کنند.

جنبش انقلابی که روز یکشنبه ۷ دی ۱۴۰۴ از بازار تهران و... شروع شد، به سرعت به گوشه و کنار کشور گسترش پیدا کرد و اکنون که ششمین روز آن را پشت سر گذاشته، شاهد آن هستیم که قشرهای اجتماعی گوناگون دست در دست هم برای تحقق آزادی و عدالت و سرنگونی ولایت جبار خامنه ای در تمامیت آن و با همه باندها و دسته بندیهای درون اش، انقلاب را تمرین می کنند.

سازمان ما در فرازی از جمع بندی جنبش انقلابی ۱۴۰۱ اعلام کرد: «در نظام جمهوری اسلامی و استبداد دینی، ولی فقیه هم به خاطر قانون اساسی جمهوری اسلامی و هم به سبب اختیارات فراقانونی تحت عنوان «حکم حکومتی»، کلیدی ترین مسئولیتها را در اختیار دارد. او تیرک خیمه نظام و در راس آن قرار گرفته و بنابراین، استبداد مذهبی از طریق اختیارات و قدرت حقیقی ولی فقیه می تواند به بقای خود ادامه دهد. از این جهت است که «احکام» او «فصل الخطاب» و در حقیقت تعیین کننده است. البته این بدین معنی نیست که بُردگی کارد او همیشه یکسان است، تیزی و کندی آن بستگی به موقعیت عمومی او دارد. توده های مردم از این موقعیت آگاه شده و به همین دلیل لبه تیز حمله متوجه اوست.» گزارش سیاسی... یکشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۱

خروش پرتوان چند روز گذشته ادامه قیامهای ۹۶، ۹۸، و ۴۰۱ و بیان اعتلای جدید در شرایط انقلابی است. مردم علیه نظم حاکم برآشوبیده و با جسارتها و قهرمانیهای بی نظیر، توحش حاکمان خونریز را به سرخه گرفته اند.

راه رهایی با مردم متحد هموار می شود و پیروزی از آن آنهاست
گرامی باد یاد و نام شهیدان خلق در شش روز گذشته

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
جمعه ۱۲ دی ۱۴۰۴ - ۲ ژانویه ۲۰۲۶

اتحاد عمل باندهای قدرت:

گلوله سهم مردم، ثروت برای سهامداران هر م قدرت

زینت میرهاشمی

هنگامی که خیمه نظام چهل و چپاولگر به خطر می افتد، همه باندهای حکومتی همصدا با رهبرشان، گلوله را «سیاست» و سرکوب را «ضرورت» می دانند.

پزشکیان مدعی شده بود که «در دولت چهاردهم به جای اصلاح شاخ و برگها به دنبال اصلاحات ریشه ای هستیم». او یک دروغگو و شید است. چون تا کنون شاخ و برگ اصلاح نشده است. اگر قرار است اصلاحات ریشه ای در مسیر توسعه ای پایدار و عدالت پیش رود، باید تمامی حکومت مانند غده سرطانی جراحی ریشه ای شود. او شیدانه با اعتراف به وضعیت بحران اقتصادی گفت که: «تقصیر ماست که نتوانستیم عدالت را برقرار کنیم/ باید با مردم آشتی کنیم / مشکلات راه حل دارد / نیاز به زمان و آرامش» است.

اما هنگامی که پزشکیان با طوفان خشم و اعتراض مردم روبرو شد، نشان داد که حکومت آن سهمی را که برای مردم تعیین کرده است گلوله، شکنجه و ریاضت کشی است. حتی اگر طوفان خشم مردم از یکشنبه ۷ دی ماه در تهران رقم نمی خورد، باز هم تاثیر بودجه ۱۴۰۵، شورش سهمگین تر علیه فقر و بی عدالتی را نوید می داد.

ساختار لایحه بودجه ۱۴۰۵ را می توان یک جراحی خونین معیشت و زندگی مردم دانست. جراحی که قبل از تصویب و اجرایی شدن آن با حذف یارانه ها از چندین دهک جامعه، آزاد سازی بهای بسیاری از کالاهای اساسی از جمله دارو، به بهانه هدفمند کردن یارانه ها و ادعای دروغین پرداخت به دیگر دهکها، کلید خورد. در حالی که بودجه نهادهای سرکوبگر و تبلیغات حکومتی در لایحه افزایش بی سابقه یافته است، کسری بودجه دولتی قرار است با افزایش مالیات بر مزدبگیران، دست درازی به صندوق توسعه ملی و چاپ پول برآورده شود. می توان گفت که لایحه بودجه پزشکیان نمادی از تقسیم ثروت و قدرت در کابینه امنیتی نظامها است.

با توجه به کاهش ارزش ریال، سقوط شتابان قدرت خرید مردم و گذار خط فقر از ۵۰ میلیون تومان در بودجه ۱۴۰۵، بدون در نظر گرفتن نرخ تورم به طور متوسط ۴۵ درصد، (آمار حکومتی)، افزایش مزد ۲۰ درصد پیش بینی شده است. در هنگامه اعتراضهای خیابانی، موضوع افزایش ۲۰ درصد حقوق در بین مجلس نشینان به چالش کشیده شد.

عضو کمیسیون تلفیق مجلس ارتجاع (لاهوئی) با ذکر تغییراتی که در لایحه پیشنهادی دولت پزشکیان بعد از ایرادات مجلس نشینان، انجام شده گفت که: «حداقل حقوق که امسال حدود ۱۳ میلیون تومان و ۵۰۰ هزار تومان بود، در بودجه ۱۴۰۵ به حدود ۱۵ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان افزایش خواهد یافت.» (خبر آنلاین ۲۶ دی)

جهت یادآوری، حقوق ۱۳ میلیون با همه مزایای جانبی از حق مسکن و فرزند است. در مجادله نمائشی در مجلس بر سر افزایش حقوقها، لاهوئی از بار مالی افزایش می گوید که «تأمین آن کار سختی است».

این مجلس نشین در رابطه با کسری بودجه و ناخوانی درآمد و خرج دولت می گوید: «قرار است دولت ۹۴۰ همت اوراق مشارکت منتشر کند یعنی از مردم قرض بگیرد و سال آینده به مردم پرداخت کند همچنین حدود ۵۰۰ همت از صندوق توسعه ملی استقراض خواهد کرد.» (خبر آنلاین ۲۶ دی ۴۰۴)

مصوبه شورای عالی کار در مورد افزایش حقوق کارگران و مزدبگیران هیچگاه منطبق با تورم نبوده است. در حقیقت دستمزد نیروهای کار سالانه نه افزایش که کاهش می یابد و بنابراین فقر و کاهش قدرت خرید تبدیل به یک اپیدمی شده است که همه کارگزاران حکومتی در رواج این اپیدمی مسئول هستند. زندگی اکثریت مردم به طور مستقیم به قیمت دلار بستگی دارد. گذشتن بهای دلار از ۱۴۵ هزار تومان در روز یکشنبه ۷ دی، که سبب اعتراض بازاریان و پس از آن مشارکت اقشار دیگر مردم شد، دستاورد حکومت چپاولگر جمهوری اسلامی است که طی ۴۶ سال گذشته از جیب و سفره مردم دزدی کرده است.

پزشکیان بارها در برابر دوربین گفت پول نداریم از کجا بیاورم. بودجه ۱۴۰۵ همراه با جراحی خونین آن آینه ای از زندگی پیش روی مردم است. محل خرج پولها و بی پولی دولت در عدم پرداخت مزد همپای نرخ تورم در بودجه نشان داده شده است.

روال سهمیه بندی بودجه در تمامی دولتهای دست نشانده ولی فقیه و در همه دوران تسلط باندها از جمله «اصلاح طلب، اقتدارگرا و معتدل» جهت مدیریت بقای نظام، ویژه خواری، رانتخواری، سرکوب، تبلیغات دین حکومتی و... تقسیم بندی شده است. موضوع مشاجره باندهای حکومتی، بر سر بودجه ۱۴۰۵ هم از همین ردیف است. در نتیجه از کابینه وفاق امنیتی نظامهای مسعود پزشکیان و مجلس دو سه درصدی که همگی حلقه به گوش خامنه ای هستند، انتظار عادلانه کردن سهمیه بودجه به نفع آموزش، بهداشت، کاهش فقر و اشتغال معجزه ای است که عملی نخواهد شد و تا رژیم کنونی حاکم است در بر همین پاشنه چپاول و رانت خواری و... از طریق سهمیه بندی بودجه خواهد چرخید.

پزشکیان قبل از ارسال بودجه به مجلس گفت: «تا دل تان بخواهد مؤسسات و بنیادهایی داریم که هیچ برون دادی ندارند ولی پول به اینها می دهیم. خب! چرا باید به اینها پول بدهیم در حالی که معیشت مردم را نمی توانیم تأمین کنیم؟» سخن پرانکینهای او هم ناله درمانی برای کاهش خشم مردم است.

به سهمیه چند نهاد وابسته به حکومت که ثروت مردم را غارت کرده و نگران سقوط حکومت هستند اشاره می کنیم: بنیاد سعدی (حداد عادل): رقمی معادل ۱۱۵ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان بودجه. حدود ۱۵ میلیارد تومان نسبت به سال قبل افزایش داشته است.

مجمع جهانی اهل بیت ذیل وزارت ارشاد: رقمی حدود ۲۵۹ میلیارد تومان .

مؤسسات مربوط به تولیت آستان خمینی (ریختن پول به جیب حسن خمینی): مبلغ ۲۱۰ میلیارد تومان / موسسه نشر آثار خمینی جنتیتکار مبلغ ۳۳۴ میلیارد تومان و پژوهشکده خمینی و انقلاب نیز مبلغ ۴۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان.

در لایحه امسال مجموع بودجه این سه نهاد برای سال آینده کمی کمتر از ۸۶۰ میلیارد تومان است؛ بودجه همین سه نهاد در قانون امسال ۵۸۵ میلیارد تومان بوده است که نشان دهنده یک جهش نسبتاً ۴۰ تا ۵۰ درصدی است.»

موسسه مصباح یزدی: رقم بودجه این موسسه در لایحه ۱۴۰۵، حدود ۴۴۱ میلیارد تومان

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تحت مدیریت وزارت ارشاد: ۱۵۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان برای آن پیش بینی شده است.

بودجه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۹۹۶ میلیارد تومان پیش بینی شده است.

دفترخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی شامل ۷ زیر مجموعه: برای این دفترخانه یک هزار و ۲۲۸ میلیارد تومان در مجموع و به تنهایی ۲۷۹ میلیارد تومان در نظر گرفته است.

قرارگاه فرهنگی و اجتماعی بقیه الله: این رقم در بودجه امسال تقریباً یک هزار و ۹۵۴ میلیارد تومان است. همچنین بودجه یورویی نیز به عنوان سهمی از فروش نفت دارد که حدود ۳۰ میلیون یورو است. یعنی در قانون امسال حدود دو هزار میلیارد تومان و ۳۰ میلیون یورو برای این قرارگاه کنار گذاشته شده است.

جامعه المصطفی العالمیه: یک هزار و ۸۶۳ میلیارد تومان سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی: ۳۳ هزار و ۵۱۲ میلیارد تومان پیش بینی شده است. اما این تنها رقمی است که در جدول اصلی یعنی جدول شماره ۷ دیده شده است. در جدول شماره ۹ که مربوط به «برآورد اعتبارات ردیف های متفرقه» است، یک هزار و ۹۶۰ میلیارد تومان دیگر برای «کمک به تولید آثار فرهنگی و افزایش آگاهی عمومی» پیش بینی شده است؛ در مجموع رقمی حدود ۳۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان. «توسعه کمی و کیفی برنامه های تولیدی پویا نمایی، مستند، فیلم و سریال» مبلغ ۹ هزار میلیارد تومان برای صدا و سیما در نظر گرفته شده است. / تا الان مجموع ارقام صداوسیما به رقم افسانه ای ۴۶ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است. (خبر آنلاین)

شماری از رسانه های حکومتی به شرایط فاجعه بار جامعه و مردم ورود کرده اند. کار و کارگر در شماره روز دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴ نوشت: «سخنان مسئولان دولت در باره تورم غیر حرفه ای ناشیانه و وقیحانه است.» در همین روز ابرار نوشت: «بودجه شهرداری تهران معادل بودجه ۱۱ وزارتخانه است.» و یک روز بعد یادگار نوشت: «تورم جشن اغنیا» است.

رسانه ستاره صبح در روز سه شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴ ایران را از جمله کشورهایی دانست که «سطح زندگی در آن پایین و در قعر جدول قرار دارد.» در همین روز اقتصاد پویا نوشت: «دلار پزشکیان سفره های مردم را بلعید، معیشت فرو ریخت و سرنگونی سراسری سفره های مردم.»

در واکنش به شرایط فاجعه بار زندگی و معیشت، نیروهای کار در حرکتی اعتراضی خود شمار می دادند: «هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه / نه مجلس نه دولت نیستند بفکر ملت/ هم دولت هم مجلس علیه بازنشسته / اختلاس اختلاس عامل فقر و فساد / گرانی تورم شکسته پشت مردم / تورم اسفبار حاکم شده تو بازار.»

نیروهای کار پیش از شروع قیامهای سراسری، نهادهای تحت امر ولی فقیه را با شعارهای خود این گونه افشا می کردند: «ستاد فرمان امام حق ماهارو خورده / ستاد اجرایی حق ماهارو خورده / بنیاد تعاون حق ماهارو خورده.» و چنین بود که یک بار دیگر در خیزشهای توده ای شعار «مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای» به عمومی ترین شعار مردم ایران تبدیل شد.

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

اسامی ۲۹۶ تن از زندانیان اعدام شده از اول تا ۳۰ دی ۱۴۰۴

ولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، اعلام کرد که بر اساس گزارشها، [رژیم] ایران ۱۵۰۰ نفر را در سال گذشته میلادی (۲۰۲۵) اعدام کرده است.

♦ دبیرخانه شورای ملی مقاومت: در دی ماه دستکم ۳۴۵ زندانی را در ۵۷ شهر از ۳۱ استان، به چوبه های دار سپرده است. استان خراسان رضوی با ۴۲ اعدام، خوزستان با ۲۹ اعدام، اصفهان با ۲۳ اعدام، لرستان با ۲۱ اعدام، فارس با ۱۷ اعدام و کرمان با ۱۶ اعدام در صدر لیست کشتار قضاییه جلادان قرار دارند.

شمار اعدامها در این ماه حدود ۳ برابر دی سال ۱۴۰۳ و حدود ۵ برابر دی ۱۴۰۱ است.



دوشنبه ۱ دی: آیدین نورزاد، محمدرضا مددی و کاظم حمیدی در گرگان/ نریمان محمدی در اصفهان/ نورخدا مرادی در درود/ ایمان بخشی در ساوه/ عباس امیدی در زنجان/ جمشید نورمحمدی در کاشان/ مجید احمدی در نیشابور/ (نام نامشخص) مشیری در کرمان/ محمدجعفر بابائی و اصغر توکلی در قزوین ۱۲

سه شنبه ۲ دی: هوشنگ امیری در نیشابور/ منوچهر مهکی در جیرفت/ یزدان جوزی پور در یزد/ پژمان سعیدی در برازجان/ نجات یاری در برازجان/ صفرعلی صادقی و ناصر جنت پور در اهواز/ قنبر فرهادی در ایلام/ سامان برزگر در بیرجند/ کریم یوسفیان در خواف/ جلال طاهری در بوکان/ سپهر مرادی در ماهشهر/ افشین طوسی در قوچان/ حبیب عموری در اهواز/ میلاد نوروزی در نوشهر/ اصغر توکلی، محمدجعفر بابائی و ابراهیم حکیمی در قزوین/ شیرزاد چمنی و قنبر فرهادی در ایلام ۲۰

چهارشنبه ۳ دی: مهدی رجب علی، مصطفی کفیری و سهراب مجیدی در رشت/ یارمحمد سلجوقی در تایباد/ بهروز شیخی در بهبهان/ مسعود مرادی، یعقوب معصومی، محمدمهدی اداوی و ابراهیم علی زاده در کرج/ نعمت خسروی و یدالله الماسی در کاشمر/ نورالدین پناهی در بوشهر/ جهانشاه رشیدیان در دامغان/ محمد نوریان در شهرکرد/ نوشاد کاظمیان در ملایر/ خداکرم صفاپور در سبزوار/ نظیر (فامیل نامشخص) و ایوب دهقانی در شیراز/ (نام نامشخص) رستگاری در مهلباد/ زهرا خانزاده و امیر عزیزی در مشهد/ اسکندر بخشوده در اصفهان ۲۲

عباس قلی پور در اصفهان/ احسان دهقان پناه در شیراز/ صمد عزیزی در دامغان/ صحبت فتحی در مهلباد/ مسلم رفیعی نیا در ملایر/ احمد میرزایی در اسفراین/ حنیف محمدی در نوشهر/ عرفان شیخ الاسلامی در ماهشهر/ امیر جعفری راد در ساری/ مختار فرشی و حسین کاظم زاده در شیراز/ منوچهر نیازی و محسن جدیدی در کرج/ سعید پرتوی، علی پرتوی، آرش شمسی، ناصر میرزایی و سهراب ایمانی در شیراز ۲۵

پنجشنبه ۱۱ دی: خدایار میرزازاده در بجنورد/ مولا مراد قبادی در تایباد/ حسین مراد زمانی در فردوس/ هاشم معماری و آرمان مسجدی در تبریز ۵

شنبه ۱۳ دی: اصغر شاهی، خلیل رحمانی و فهیم رسول زاده در شیراز ۳

یکشنبه ۱۴ دی: آیدین صلواتی در اراک/ ابراهیم بازوند در تبریز/ نیما (فامیل نامشخص) در بندرعباس/ سعید رستمی در قزوین/ امین الهی در قم/ آرمان نظری در سمنان/ ولی کرم بیگی در بروجرد/ سجاد گل محمدی در اردبیل/ کاظم سوریان در خرم آباد/ سروش خانی در کرج/ محسن قائد رحمت در الیگودرز/ شاکرم مستی در کرمانشاه/ حمید رضا مرادی در دزفول/ اصغر بابایی در همدان/ نورالدین عبیدی زاده و احمد ساکی در نهاوند. ۱۶

دوشنبه ۱۵ دی: ساسان جورابلو در نیشابور/ امیر سرلک در درود/ کریم عسگری در زنجان/ غلام رضا سعیدی در کاشان/ مجتبی رضایی در ساوه/ فریدون مشیری خواه در اهواز/ نورمحمد شهبوساری در یزد/ سیاوش نامداری در گرگان/ آرمین آقایی در کرمان/ الله کرم بیگی در بم/ طیبه حکمت/ علی بخشی خان محمدی در بوکان/ عبدالنور شبانی در اهواز/ ارسلان عربی در رشت/ محمدجواد رسولی در نوشهر/ رستم حریری در سمنان ۱۶

سه شنبه ۱۶ دی: فرج الله تبرک در برازجان/ مهبران چوپانی در جیرفت/ مسلم حاجی بابایی در اهواز/ سلطان مراد رسولی در خواف/ کرم شاه بحری در بیرجند/ فردین سهرابزاده در ایلام/ محسن تیموری در رشت/ مجید مددی در فردوس/ عبدالله دشتی در بهبهان ۹

چهارشنبه ۱۷ دی: علی اردستانی در تهران/ سبحان یگانه در شیراز/ خدامراد همتی در کاشمر/ بهزاد علی پور در شهرکرد/ داوود باقرزاده در بوشهر/ سهیلا عزیزی در مشهد/ مصیب چمنی در چابهار/ بهمن یاریگی در دامغان/ باقر بازوند در ملایر/ عباس (الماس) مهدی نژاد در سبزوار/ روح الله اقاپور در مهلباد/ یزدان الهیاری، هال پیشوا، امید نوبخت و (نام نامشخص) حسینی در کرج/ خدا رحم مهری در اسفراین/ احمد همتی در گناباد/ مهیار محمدی در سنندج/ کریم بزکار و محمد جولایی در دزفول/ شریف هادوی در ماهشهر/ محمد مرادی و سهراب نیرومند در بندرعباس/ حامد نیازی در کرج ۲۴

پنجشنبه ۴ دی: امین صفاری در بجنورد/ احشمت بیگی در فردوس/ مجید خانی در ساری/ مراد کریمی گلّه و نوروز (نوروزی) خلفی در شوشتر ۵

شنبه ۶ دی: میلاد نجانی در کرج/ احمد علی صفاری در الیگودرز/ سیروس کرمی در دزفول/ ابوالفضل انحصاری در همدان/ نریمان سوری در کرمانشاه/ احمد رضا اصفهانی در یاسوج/ رحیم خداپرست در نهاوند/ ویهان شاه محمدی در سنندج/ مصطفی مهرجو در اردبیل/ جلیل (خلیل) نوری در خرم آباد/ رضا حاتمی در ساری ۱۱

یکشنبه ۷ دی: جعفر نجفی در اراک/ موسی رحیمی راد در سمنان/ جمشید اکبری و بابک سرائی در قم/ بسم الله تاجیک در بندرعباس/ صفرعلی سپهوند در بروجرد/ عزیز علی کلخانی در قزوین/ معین حسن زاده، اکبر جهانی و حمیدرضا شجاعی در تبریز/ علی چوپانی در اردبیل/ یونس افشاری در همدان ۱۲

دوشنبه ۸ دی: شجاع عسگری در گرگان/ قاسم امینی در سنندج/ احمد نادری در بوکان/ مروان عمادآبادی در کاشان/ سینا ندی در ساوه/ امیرمهدی نوایی در کرمان/ سبحان صفی زاده در زنجان/ یاسر خطیبی در اصفهان/ سهیل بختیاری در درود/ حشمت فلاحی در نیشابور/ امیر جعفری راد در ساری/ عرفان شیخ الاسلامی در ماهشهر ۱۲

سه شنبه ۹ دی: حجت امینی زاده در شهرکرد/ حنیف احمدی در نوشهر/ فرید نوریزاد در قوچان/ شایان کرمی در بهبهان/ علی محمد دستار در بیرجند/ خدا رحم احمدی در خواف/ محمد زارعی در یزد/ امین خسروی در اهواز/ یحیی پناهی راد در بم/ پیمان زمانی در ایلام/ علی اکبر برزگر در برازجان/ سجاد ویسی در جیرفت/ منصور ریگی (چاکر زهی) در سمنان ۱۳



چهارشنبه ۱۰ دی: نیاز علی یاری در سبزوار/ کرم علی خانی و نیاز علی فریادی در کاشمر/ میثم ناصری در بوشهر/ مهبران حسینی و کرامت صفری در مشهد/ یاسین عظیمی و

اعدام؛ راهکاری برای بقای امنیت نظام

بقیه از صفحه ۵

«هزار باده ناخورده در رگ تاک است»*

بقیه از صفحه ۲

دارد... امیدوارم که حاکمیت ما بیدار شود خب می‌دانید مشکل ما این است قدرت مستی می آورد آدم مست چیزهایی را نمی‌فهمد که آدمهای عادی همه می‌فهمند کارهایی را می‌کند که هیچ آدم عادی نمی‌کند بدیش به این است که از خواب مستی قدرت سیلی آدم را بیدار می‌کند امیدوارم این قبل از اینکه اتفاق بیفتد این مستی قدرت همه مان از آن بیدار بشویم...» دو روز پیش از شروع خیزش انقلابی اخیر، احمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد با انتقاد از گرانیها هشدار داد که اگر وضعیت گرانی و فشار بر مردم ادامه پیدا کند، «فتنه ۸۸» دوباره به راه خواهد افتاد.



ادامه شرایط انقلابی، ولایت فقیه در کانون ستیز

خامنه ای و عمّله و آکره او می‌دانند که «ولایت فقیه» کانون ستیز برای سرنگونی رژیم با همه باندها و جناحهای درونی آن است. روز سه شنبه ۹ دی ۱۴۰۴، آخوند احمد خاتمی گفت: «در فتنه ۸۸ هم ولایت هدف بود، مفهوم ولایت، زبانم نمی‌چرخد بگویم نامردها شعار می‌دادند مرگ بر اصل ولایت فقیه هم اصل ولایت هدف بود هم مصداق ولایت هدف بود.» (تلویزیون حکومتی شبکه جهانیان) آگاهی ولی فقیه به این واقعیت و سر دادن شعارهای ضد ولی فقیه و ضد نظام به شکل‌های گوناگون، این مساله را در مقابل خامنه ای قرار داده که اگر در مقابل اراده مردم کوتاه بیاید، کل نظام بر باد خواهد رفت. بنابراین این بار هم پس از کشتارهای بی‌امان، نعره پیروزی سر داد که «کمر فتنه» را شکسته و حکم داد که «کمر فتنه گر را هم باید بشکنند». این «باید» که از رویستن شمشیر است با «اعدام» بازداشت شدگان جنبش انقلابی معنی پیدا می‌کند. ولی فقیه فکر می‌کند پس از کشتارها، می‌تواند پایان جنبش انقلابی را اعلام کند. اگر کشتار دی نود و شش توانست مانع برآمد خیزش انقلابی آنان نود و هشت شود و اگر به خون کشیدن دستکم هزار و پانصد تن از زنان و مردان معترض توانست از بروز قیام ژینا جلوگیری کند، کشتار ددمنشانه کنونی هم می‌تواند آتش خشم مردم را خاموش کند. در حالی که عرق گماشتگان ولی فقیه از کشتار سرد نشده، به جان هم افتاده اند. ابوالفضل ابوترابی، در تذکری تند خطاب به پزشک‌های و از تریبون بهارستان اشغال شده گفت: «آقای رئیس جمهور مرد این میدان نیستید، شرایط جنگی است و شما در اداره کشور ناتوان هستید، بنابراین به عنوان الگویی برای آینده کشور و جوانان مملکت مسئولیت اتفاقات اخیر را بپذیرید و استعفا بدهید.» (خبرآنلاین، دوشنبه ۲۹ دی ۱۴۰۴) باوجود شرایط انقلابی که طی هشت سال گذشته بافت و خیزهای گوناگون ادامه داشته، فوران و انفجار خشم و نفرت همواره بیشترین امکان است که هم از تحلیل نظری و هم با توجه به تجربه های پیشین آن را ثابت می‌کند.

برای عنوان این یادداشت یک مصرع از اشعار اقبال لاهوری انتخاب شده است. در پایان متن کامل آن را می‌خوانید:

«گمان مبر که به پایان رسید کار مغان

هزار بادهٔ ناخورده در رگ تاک است

چمن خوش است ولیکن چو غنچه نتوان زیست

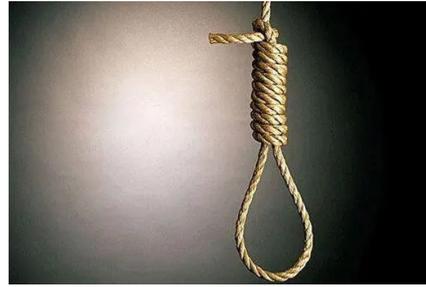
قبای زندگی از دم صبا چاک است

اگر ز رمز حیات آگهی، مجوی و مگیر

دلی که از خلیش خار آرزو پاک است

به خود خزیده و محکم چو کوهساران زی

چو خس مزی که هوا تیز و شعله بی باک است



پنجشنبه ۱۸ دی: رامین

نوازی در بجنورد/ شهرام آق

چلی در ساری/ نعمت غلامی،

جمیل الله شاهی و محمد

اشرف در تایباد ۵

شنبه ۲۰ دی: مصطفی

شیخی در خرم‌آباد/ سامیار امکانی در کرمانشاه/ ابراهیم رعیتی در همدان/ بهمن شکری در

دزفول/ مسعود مردانی در یاسوج/ مهدی بابایی در نهاوند/ ساسان امینی در کرج/ رضا شاه

محمدی و یونس پارسا در الیگودرز. ۹

یکشنبه ۲۱ دی: عبدالحسین زکی پور در اراک/ مولا جوزی پور در سمنان/ سمیراد زالی

در بروجرد/ آیین موسوی در قم/ حمید خطیب در اردبیل/ جبار قلی‌پور در قزوین/ بهزاد نیازی

در بندرعباس/ علی رضا باقری در تبریز ۸

دوشنبه ۲۲ دی: آرتا ساعی در نوشهر/ علی تیموری در گرگان/ پرویز خانی در نیشابور/

سبحان قاسمی در دورود/ حسین جلیلی در زنجان/ ستار احمدی در اصفهان/ جواد بهرامی در

ساوه/ سجاد بامری در کرمان/ حبیب الله شاکری در کاشان. ۹

سه شنبه ۲۳ دی: اکرم رضایی و حمزه جعفری در رشت/ کورش بزرگمهر در سنجند/

محمد جواد نعیمی در گناباد/ جلال بختیاری دربرازجان/ کریم پیری در بم/ کیومرث سنایی

درخواف/ عزیز علی‌پناهی/ حامد لطیفی در یزد/ نجفعلی نوایی در جیرفت/ محمدامین بقلانی

در اهواز/ مرتضی غلامی در ایلام/ سهراب فتحی در بیرجند ۱۳

چهارشنبه ۲۴ دی: خسرو عبدی در سبزواری/ یاسر اکبری در شهرکرد/ آرمان محمدیان و

مصطفی عزیزی در کاشمر/ داریوش بزرگی و مهرشاد اسدآبادی در مهاباد/ شریف دهقانی در

شیراز/ جلیل شهبازی در مشهد/ علی آقاهمتی در چابهار/ موسی عسگری در دامغان/ سیدعلی

حاتمی در فردوس/ احسان انصاری در قوچان/ عزیز مرادحسینی در اسفراین/ برزو مهدی‌نیا

در ملایر و فرشاد حیدری کیا در بجنورد/ آرمین آقاپور در بوشهر ۱۶

پنجشنبه ۲۵ دی: عظیم عمری در بهبهان/ صالح کعبی در ماهشهر/ امید جمشیدی در

ساری ۳

شنبه ۲۷ دی: ابوطالب غلامی در تبریز/ یارمراد بخشی در اردبیل/ ملک کاوه ای در

بندرعباس/ افشین اخباری، خیرالله گلجانی و کامران منافی در قزوین ۶

یکشنبه ۲۸ دی: یزدان مردانپور در کرمانشاه/ فریدون گودرزی در الیگودرز/ پویا نجفی در

دزفول/ بیژن شاهرخی در خرم‌آباد/ اکبر گنجی در نهاوند/ علی اصغر شاهی در یاسوج/ شیروده

مقصودی در بروجرد/ اسد سلحشور در سمنان/ اسحاق نیازی در اراک/ سوشا عبدی در همدان/

عبدالحسین یاری در کرج/ مصطفی کوشکی در قم/ کیان منوچهری در یزد/ فرهنگ فرامرزی

پور (علیدادی) در کهنوج/ گودرز برزگر در کاشان/ ایمان نبیری در کرمان/ خسرو علیشاهی در

قم/ سید محمد عطاری در تبریز ۱۸

دوشنبه ۲۹ دی: نوید جباری در نیشابور/ علی رضا بارانی در درود/ کیمیا خانی در اصفهان/

کبیر اخلاقی در گرگان/ کیارش لنگرودی در زنجان/ بهرام حسن‌پور در ساوه/ فرامرز عموزاد

در نوشهر/ ایمان نبیری در کرمان ۸

سه شنبه ۳۰ دی: میکائیل بهاری در برازجان/ کامران غیاثوند در ایلام/ فرود سگوند در

خواف/ مردان ساعدی در بیرجند/ راستین مجیدی در اهواز/ سیروس مشکینی در جیرفت/

مبین گلمحمدی در یزد/ نادر عینی در بم ۸

آزادی را نمی توان پس گرفت؛ آزادی با سماجت ساخته می شود

ترجمه از زبان ترکی

ستوده



من در اربیل به دنیا آمدم. آدمها جغرافیا را از روی نقشه یاد می گیرند، اما من نقشه را زیر سایه کشورها آموختم. نه سال اول کودکی ام در اربیل گذشت. اربیل فقط سنگ و ساختمان نیست؛ جایی است که زبان، هویت، ترس و امید در مرز به هم می رسند. آنجا دولت یک مفهوم انتزاعی نیست؛ به شکل پلیس، سرباز، قانون، ممنوعیت و «احتمال» رو به رویت می ایستد. دولت را اول نه از کلمه، بلکه از نگاه می فهمی.

نه سالگی با خانواده ام به ترکیه آمدیم. آدم گاهی چمدان حمل نمی کند، آینده اش را حمل می کند. نام این جابه جایی «مهاجرت» نبود، چون مهاجرت با انتخاب است؛ برای ما اجبار بود. پناهنده بودن هویت نیست؛ جایگاه نیست؛ یک تجربه است. وقتی پناهنده می شوی، ناچار با دولت آشنا می شوی. این که مرز یعنی چه، شهروندی یعنی چه، بوروکراسی یعنی چه و هویت چطور در دولت بازتاب پیدا می کند... اینها را نه در کتاب، بلکه در صف یاد می گیری.

پناهنده بودن یعنی سیاست. چون دولت مدام به زندگیا دست می زند. زبان یاد می گیری، چون بین حرف زدن و ساکت ماندن، فرق زندگی و مرگ است. با جامعه سازگار می شوی، چون بیرون ماندن یعنی زنده نماندن. آدمها را زیر نظر می گیری، چون همیشه کسی به تو نمی گوید کجا بایستی؛ خودت باید بفهمی.

من چپ گرا هستم. این انتخاب نیست، نتیجه است. چپ بودن برای من یعنی چند کلمه: برابری، نمایندگی، دولت اجتماعی، سکولاریسم، آزادی، اراده مردم. چپ بودن پرستش رهبر نیست؛ پرش از رهبر است. چپ بودن یعنی از ملا، مرشد، شاه یا پادشاه انتظار نداشتن؛ یعنی دانستن این که دولت باید به مردم پاسخگو باشد.

من اصالتاً ایرانی ام و گرد. اما مساله فقط مساله کردها نیست؛ مساله همه مردمی است که در ایران زندگی می کنند. ایران فقط فارس نیست؛ عرب هست، بلوچ هست، ترکمن هست، آذری هست، کرد هست. یعنی ایران «یک» نیست؛ «چندگانه» است. اما قدرتها همیشه دنبال یک دستی اند. تراژدی بزرگ این کشورها همین است: دولتهایی که نه اکثریت، بلکه کثرت را انکار می کنند.

در طول زندگی ام در کشورهای مختلف زیسته ام، جاهای گوناگون دیده ام و زبانها و فرهنگهای متفاوتی را نفس کشیده ام. اما هر جا که بودم، یک نقطه مشترک دیدم: میل انسان به آزادی. این میل از گذرنامه، قانون و ایدئولوژی قوی تر است.

برخی وقتی از بیرون به اعتراضات ایران نگاه می کنند، آشوب می بینند. من مطالبه نمایندگی می بینم. جوانان، زنان، دانشجویان، کارگران می گویند: «زندگی من، مال خود من است.» وقتی دولت می خواهد تعیین کند چه بپوشی، چطور رفتار کنی، چه بگویی و چه فکر کنی، انفجار اجتنابناپذیر است. آنچه امروز در ایران رخ می دهد دقیقاً همین است: دولت از جامعه عقب مانده است.

بعضیها می گویند راه حل، بازگشت به دوران شاه است. من همیشه به نوستالژی این جمله می خندم. تاریخ به عقب بر نمی گردد. پادشاهی مدرنیته نیست؛ پادشاهی دکوری است که مدرنیته را در ویتترین می گذارد. وقتی مردم نمایندگی نشوند، مدرن بودن فقط آرایش است. یک کشور با تاج مدرن نمی شود؛ با پارلمان مدرن می شود. کسی که به گذشته امید می بندد، در واقع امیثش به آینده را از دست داده است.

مساله حکومت ملاها چیز دیگری است. دین به حوزه فردی تعلق دارد، نه به حوزه دولت. وقتی دین دولت را اداره می کند، هم دین فرسوده می شود و هم دولت فرو می ریزد. پیشرفت ایران نه با ملاها ممکن است و نه با شاهان؛ ایران به سکولاریسم، قانون و دولت نهادی نیاز دارد. آینده ایران را نه ملاها می سازند و نه شاهان؛ آینده را مردم می سازند.

به همین دلیل ایران فقط با اینها می تواند نفس بکشد:

- سکولاریسم
- جمهوری پارلمانی
- تفکیک قوا
- قوه قضائیه مستقل
- آزادی زنان
- حقوق سندیکایی
- آزادی مطبوعات
- استقلال دانشگاهها

بزرگ شدن در دیاسپورا حقیقت دیگری را به من آموخت: فاصله، فراموشی نیست. دیاسپورا آدم را هم منتقدتر می کند و هم مطالبه گرتر. کودک بودن در عراق یک آگاهی است، پناهنده بودن در ترکیه آگاهی ای کاملاً متفاوت. به همین دلیل نگاه من به ایران رمانتیک نیست؛ سیاسی است.

وقتی به آزادی فکر می کنم، این سطرها به ذهنم می آید: «دوست داشتن یک ملت، سرنوشت انسان نیست؛ اراده اوست.» (ادوارد سعید)

و صدای دیگری: «آزادی تنها چیزی است که ارزش مردن دارد.» (آلبر کامو)

و شاید بیش از همه این ترانه: «زمان علیه ما نیست؛ با ماست.» (شهرام ناظری)

چون گاهی آزادی فقط سیاست نیست؛ هویت است، عشق است، زبان است، اراده زندگی است.

روای من بازگشت ایران به گذشته نیست؛ گشوده شدن آن به آینده است. نه ملاها و نه شاهان قادر به این کار نیستند.

دولت را تاج نمی سازد؛ مردم می سازند. برای همین آزادی را نمی توان پس گرفت؛ آزادی با پافشاری، سماجت و مقاومت ساخته می شود.

منبع: جنگ خبر

دو گزارش از ایران

تاریخ ارسال: دوشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۴

از تهران

فضای داخل کشور چه از بازار و اصناف و دانشگاهها فرقی نمی کنه و همه مردم امیدوار شدند و قطعاً این بار به راحتی تموم نمی شه و اگر بازار هم خاموش بشه دیگه سیر حرکت جنبشهای اعتراضی رو به جلو هست و همه مردم امیدوار شدن به اینکه دیگه اینا رفتنی هستند. وقتی مردم رو نگاه می کنی هر کسی با هر توانی به دنبال ضربه زدن به رژیم است. فقط اتفاق هوشمندانه ای که از طرف رژیم داره انجام می شه و خودتم خیر داری اینه که تو شهرهای مختلف با جمعیت کم خود سپاه داره شعار در حمایت از پهلوی میده رسانه ها هم دارن پروموتش می کنند که خبر داریم خیلی از بازارها به خاطر همین تو میدون نیومدن فقط مغازه هاشون رو در حمایت از اعتصاب بستن. دقیقاً همون سناریویی که تو مراسم هفتم زنده یاد علی کردی پیاده کردن دارن تو ابعاد گسترده ترش تو شهرهای مختلف پیاده می کنند البته مردم هم هوشیار هستند. مقطعی می تونه جلوی اعتراض گسترده را الان بگیره ولی در کل زوده که بخوام نتیجه گیری بکنم اما در کل فضا فضای انقلابی هست.

از جنوب

با سلام برای ما که داخل ایران هستیم و از نزدیک مشاهده میکنیم هدف مردم سرنوشت جمهوری اسلامی است در مرحله اول و همه شعارها هم در این مسیر است سوق دادن و مصادره خیزش به سازده توسط خود حکومتی هاست جهت انحراف. حکومت تمام توان خود را به کار گرفته که اعتراضات را به شکل دیگر منحرف کند ولی مردم خیلی خیلی خشمگین تر از این حرفها هستند دیشب یک جوان همشهری را وحوش موشعلی کشند به انتقامش در لحظه یک بسیجی کشته شد و دهها نفر از مزدوران رژیم زخمی و زمین گیر شدند ما مردم ایران نیاز به حمایتهای عملی داریم همه کمک کنید تا یک بار برای همیشه ایرانمان آزاد شود.

چالشهای معلمان (دی ۱۴۰۴)

فرنگیس باقره

حکم حبس محمدحسن داودی تأیید شد

حکم حبس محمد حسن داودی، فعال صنفی معلمان توسط شعبه ۲۳ بیدادگاه تجدیدنظر آذربایجان غربی عیناً تأیید شد. وی پیشتر توسط بیدادگاه میاندوآب به سه سال و چهار ماه و دو روز حبس محکوم شده بود.

این حکم در تاریخ ۲۴ آذرماه سال جاری توسط شعبه ۲۳ بیدادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان غربی صادر و اخیراً به وی ابلاغ شده است. بر اساس رای صادره، آقای داودی از بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به هفت ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری و از بابت اتهام عضویت در جمعیت‌های معارض کشور به ۳۲ ماه و ۱۶ روز زندان، مجموعاً به سه سال و چهار ماه و دو روز حبس محکوم شده است. با اعمال قانون ۱۳۴ مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی ۳۲ ماه و ۱۶ روز حبس در خصوص این فعال صنفی معلمان قابل اجرا خواهد بود.

جلوگیری از حضور در جلسه امتحان به دلیل بلندی مو

روز شنبه ۶ دی ماه، شماری از دانش‌آموزان دبیرستان معلم در منطقه محمدمان شهرستان ایرانشهر از جلوگیری مسئولان مدرسه برای ورود به جلسه امتحان به دلیل «بلندی مو» خبر دادند. با وجود آن که موهایی این دانش‌آموزان در حد متعارف و کوتاه بوده، مسئولان مدرسه از اجازه ورود آنها به جلسه امتحان خودداری کردند؛ اقدامی که موجب سرگردانی و نگرانی دانش‌آموزان و خانواده‌های شان شده است. دانش‌آموزان بارها تأکید کردند که ظاهر آنها مغایر با مقررات نیست، اما با این حال اجازه شرکت در امتحان به آنها داده نشد و هیچ راهکار جایگزینی نیز ارائه نشده است.

بازداشت ۳ معلم در شیراز توسط نیروهای امنیتی

روز، چهارشنبه ۱۰ دی‌ماه، سه معلم که هویت یکی از آنها ذاکر امینی احراز شده است، در جریان تجمع اعتراضی معلمان در شیراز، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. هویت دو تن از این معلمان بازداشتی، ذاکر امینی و نام کوچک نامشخص (هژبری)، گزارش شده است. این بازداشت در جریان تجمع اعتراضی معلمان مقابل اداره کل آموزش و پرورش شیراز، واقع در خیابان معدل این شهر صورت گرفته است.

تجمع فرهنگیان در ابهر، بندرعباس، شیراز، شیروان و یزد



روز چهارشنبه، ۱۰ دی، هم زمان با فراخوان سراسری فرهنگیان، معلمان شاغل و بازنشسته در اعتراض به وضعیت معیشتی و مطالبات پرداخت نشده خود، مقابل اداره آموزش و پرورش در بندرعباس، یزد، ابهر، شیروان، شیراز و... تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع فرهنگیان در کرج

روز چهارشنبه ۱۰ دی، گروهی از فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرج در اعتراض به وضعیت معیشتی معلمان، مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان البرز تجمع کردند. با آغاز تجمع، شمار قابل توجهی از نیروهای انتظامی و امنیتی در محل حاضر شده و تلاش کردند معترضان را پراکنده کنند. در ابتدای امر، از فرهنگیان خواسته شد برای گفت و گو با مدیرکل وارد ساختمان اداره کل شوند که این پیشنهاد با مخالفت معترضان مواجه شد.

با گذشت زمان و افزایش تعداد تجمع‌کنندگان، فضای محل متشنج شد و در ادامه، درگیری و برخورد فیزیکی میان نیروهای انتظامی و معترضان رخ داد که به ضرب و شتم چند تن از فرهنگیان، از جمله معلمان زن انجامید. همچنین، در برابر دیدگان مدیرکل و برخی مسئولان حاضر، تعدادی از معلمان با خشونت به داخل حیاط اداره کل منتقل شده و هم زمان تلاش برای پراکنده سازی سایر معترضان صورت گرفت.

در نهایت، تجمع‌کنندگان پس از دریافت تضمین از مأموران مبنی بر آزادی همکاران بازداشت‌شده، محل تجمع را ترک کردند.

بیانیه حمایتی انجمن صنفی معلمان نورآباد ممسنی

ما اعضای انجمن صنفی معلمان شهرستان نورآباد ممسنی، با تکیه بر مسئولیت اخلاقی، اجتماعی و حرفه‌ای خود و بر اساس اصول شناخته شده حقوق انسانی و شهروندی، مواضع و مطالبات خود را به صورت شفاف اعلام می‌داریم.

اعتراض به ناکارآمدی حکومت جمهوری اسلامی و بیان مطالبات، کمبودها و نارساییها و نقد شرایط موجود را حق مردم ایران می‌دانیم و برخورد با این حق قانونی مردم را به شدت محکوم می‌کنیم.

* ما خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی بازداشت‌شدگان اعتراضی اخیر هستیم و ادامه بازداشت مردم را خلاف

قانون عدالت، عقلانیت اجتماعی و کرامت انسانی می‌دانیم.

* عدم اعمال هرگونه خشونت علیه معترضان و بازداشت‌شدگان، یک الزام انسانی و اخلاقی و قانونی است و مسئولیت هرگونه آسیب، متوجه عاملان و آمران آن خواهد بود.

* حق دسترسی فوری و بدون مانع به وکیل برای بازداشت‌شدگان در تمامی مراحل دادرسی از حقوق بدیهی دفاعی است و باید به طور کامل تضمین شود.

* از آنجا که هیچ نهادی حق ندارد به حقوق کودکان تعرض نماید و افراد زیر ۱۸ سال از نظر کنوانسیون حقوق بشر کودک نامیده می‌شوند در سریع‌ترین زمان ممکن خواهان آزادی بی قید و شرط آنها هستیم و بر رعایت کامل حقوق کودکان و تأمین امنیت روحی، روانی و جسمی آنان تأکید می‌کنیم و عواقب هرگونه آسیب روحی از این حیث به کودکان را غیر

قابل قبول دانسته و عواقب آن را متوجه نهادهای امنیتی و قضایی می‌دانیم.

انتظار جامعه از نیروی های انتظامی رفتاری حرفه‌ای، خویشتندارانه و مبتنی بر احترام به شأن و کرامت انسانی است و این نیرو باید حافظ امنیت جان و مال مردم باشد؛ نه عامل تشدید بحران. بدیهی است در صورتی که این مطالبات حداقلی انسانی و اجتماعی نادیده گرفته شود، جامعه معلمان با حضور فعال، آگاهانه و مسئولانه خود در کنار سایر اقشار مثل گذشته حضور میدانی خواهد داشت.

در پایان اعلام می‌داریم که صدای معلم، صدای آگاهی و مسئولیت است و این صدا هرگز خاموش نخواهد شد. / ۱۷دیماه ۱۴۰۴

بیانیه ۵۵۵ نفر از معلمان در حمایت از خیزشهای مردمی

ما جمعی از معلمان ایران، در شرایطی این بیانیه را منتشر می‌کنیم که جامعه ایران با بحرانی فراگیر و مزمن رو به روست. بحرانی که برخلاف تبلیغات صرفاً به معیشت محدود نیست، بلکه کلیت زندگی، کرامت انسانی، آینده نسلیها و امکان زیست شرافتمندانه ما ایرانیان را هدف قرار داده است.

اگرچه فشارهای اقتصادی و معیشتی یکی از محرکهای اصلی اعتراضهای مردمی است، اما تجربه زیسته جامعه ایران در بیش از چهار دهه گذشته نشان می‌دهد که این بحران ریشه‌ای تر از نوسان قیمتها یا حتی سوءمدیریتها است. چرا که در طول ۴۷ سال گذشته با آمد و رفت چهارده دولت و دوازده مجلس نه تنها مشکلات کشور و از جمله مشکلات معیشتی حل نشده، بلکه به صورت مستمر عمیق تر و فراگیرتر شده و هر کدام امروز به یک بحران ویرانگر تبدیل شده است. این واقعیت نشان می‌دهد که ریشه همه مشکلات، ساختار سیاسی جمهوری اسلامی و مبانی آن است و بدون تغییر بنیادین آن و بنانهادن نظامی عقلانی، سکولار، توسعه‌گرا و دموکراتیک نه تنها امکان حل و برطرف شدن این مشکلات نیست بلکه هر روز بر دامنه و عمق مشکلات افزوده خواهد شد.

ما ضمن درک و پذیرش وجود گرایشهای سیاسی متفاوت در جامعه، دستیابی به این هدف ملی و نجات بخش را بدون همسویی و همراهی همه مردم امکان پذیر نمی‌دانیم. همچنین معتقدیم رقابت میان حامیان جریانهای سیاسی مختلف در شرایط کنونی موجب کاهش توان جمعی ما و افزایش امکان بقای رژیم خواهد شد.

ما از نیروهای انتظامی و کسانی که به هر شکل در مواجهه با اعتراضهای مردمی قرار دارند، می‌خواهیم که از سرکوب، خشونت و به ویژه کشتار شهروندان بی دفاع پرهیز کنند. مردم معترض، دشمن این سرزمین نیستند. مسئولیت اخلاقی، انسانی و تاریخی هر فرد ایجاب می‌کند که در برابر فرمانهای غیرقانونی و ضدانسانی، جانب حق را بگیرد و خود را شریک جنایت علیه مردم نکند. وظیفه شما حفاظت از نظم، امنیت و جان مردم است نه حفاظت از حکومت؛ آنهم حکومتی که عامل همه مشکلاتی است که شما نیز آسیب دیده آن هستید.

در پایان از همه معلمان ایران درخواست می‌کنیم که پرشورتر از گذشته به شیوه‌های مسئولانه و مدنی در کنار مردم معترض که برای برخورداری از آزادی، عدالت و زندگی شرافتمندانه به خیابان آمده‌اند، بایستند. باید توجه داشته باشیم که ما معلمان، به عنوان یکی از گسترده‌ترین و اثرگذارترین گروههای اجتماعی، در قبال جامعه و آینده فرزندان این سرزمین

بقیه در صفحه ۹

اسامی شماری* از کودکان شهید (زیر ۱۸ سال)



جاوید نام طاهما صفری، ۱۵ ساله شهروند ازنا



این خانواده در زمان وقوع حادثه داخل خودروی شخصی خود حضور داشتند که در جریان اعتراضها، خودروی آنها از سوی ماموران حکومتی به رگبار گلوله بسته شد.

بیکر اعضای این خانواده در سنقر کلیایی در کرمانشاه و با حضور نیروهای امنیتی به خاک سپرده شده است و خانواده آنها در ایران تحت نظارت و فشار نیروهای امنیتی هستند.

شهادت کامران اکبری معلم در کرمانشاه



روز پنجشنبه ۱۸ دی، کامران اکبری معلم ۴۵ ساله، پدر یک فرزند و اهل اسلام‌آباد غرب در جریان اعتراضهای شهرک الهیه کرمانشاه بر اثر شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر خامنه ای، جان خود را از دست داد.

روز پنجشنبه ۱۸ دی، کامران اکبری، شهروند کورد اهل شهرستان اسلام آباد غرب (شاباد) و از معلمان آموزش و پرورش، در جریان اعتراضهای مردمی شهرک الهیه کرمانشاه در کرمانشاه (کرماشان)، با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر حکومتی کشته شده است.

بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری ه‌دنگاو، روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴ (۸ ژانویه ۲۰۲۶)، کامران اکبری، ۴۵ ساله، معلم و پدر یک فرزند، اهل شهرستان اسلام‌آباد غرب، در جریان اعتراضات مردمی در شهرک الهیه کرمانشاه، با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر حکومتی کشته شد.

به گفته منابع آگاه، کامران اکبری از فاصله نزدیک و با سلاح جنگی از ناحیه شکم هدف تیراندازی قرار گرفته است.

(منابع مورد استفاده برای تهیه این مجموعه: هرانا، حال و شش، هه نگاو، شورای بازنستگان ایران، تلگرام فرهنگیان البرز، تلگرام شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، کانال صنفی معلمان)

چالشهای معلمان

بقیه از صفحه ۸

مسئولیتی مضاعف از سایر اقشار داریم و اگر در این شرایط سکوت کنیم و حامی و همراه مردم نباشیم فردا در برابر تاریخ، دانش‌آموزانمان و وجدان جمعی جامعه، پاسخی برای این سکوت نخواهیم داشت. / پاینده ایران و مردمان ایران

حمید رحمتی و ابوالفضل رحیمی شاد بازداشت شدند.

روز چهارشنبه ۱۷ دی، حمید رحمتی معلم بازنشسته و عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان شهرضا در خانه اش در تهران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

دلیل بازداشت حمید رحمتی در دست داشتن پلاکاردی در حمایت از جنبش سراسری و اعتراض به وضعیت نابسامان مملکت و انتقاد از شیوه حکمرانی و دزدی مسئولان، مقابل اداره کل آموزش و پرورش است.

همزمان ابوالفضل رحیمی شاد معلم بازنشسته و فعال سیاسی در خانه اش در تهران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

معلمان شهید در خیزشهای توده ای

شهادت سجاد رحیمی



سجاد رحیمی، معلم جوان و مهندس فناوری اطلاعات، در جریان اعتراضهای مردمی با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر امنیتی جان خود را از دست داد.

سجاد رحیمی ۳۶ ساله، مجرد و معلم هنرستان در رشته کامپیوتر بود. او حدود دو سال در هنرستانی در قشم تدریس می‌کرد. سجاد برای مرخصی به زادگاهش مرودشت بازگشته بود و از نخستین روزهای اعتراضها، حضوری فعال در تجمعهای مردمی داشت.

در جمعه شب ۱۹ دی ماه، سجاد رحیمی در خیابان و توسط نیروهای سرکوبگر با لباس شخصی هدف اصابت گلوله جنگی قرار گرفت و در اثر شدت جراحات، جان باخت.

بیژن مصطفوی، زهرا بنی عامریان و دانیال مصطفوی

بیژن مصطفوی، بازنشسته آموزش و پرورش و متولد سنقر، همسرش، زهرا بنی عامریان و دانیال مصطفوی، فرزند آنها و دانشجوی ۱۹ ساله، اعضای یک خانواده، روز جمعه ۱۹ دی در شهر کرج هدف تیراندازی ماموران حکومتی قرار گرفتند و جان خود را از دست دادند.

منبع: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران
*هرانا تعداد کودکان شهید را ۴۲ نفر اعلام کرده است

رویدادهای هنری ماه (دی ۴۰۴)

هنر مقاومت

با اوجگیری خیزش انقلابی مردم ایران و واکنش‌های سخت و سرکوبگرانه رژیم، بسیاری از هنرمندان ایرانی نقش خود را در تمهد به مردم ایران ایفا کرده و از زنان و مردان انقلابی و مردم جان به لب رسیده و معترض پشتیبانی کردند. هنرمندان با قطع کنسرتها، انتشار بیانیه‌ها و شرکت در اعتراضها در کنار مردم ایستادند و حتی جان باختند. نمونه‌ای از این همکاری و همدلی را در زیر می‌خوانیم:

"شلیک به مردم، جنایت علیه حق حیات است"



۱۸۴ سینماگر ایرانی با انتشار بیانیه‌ای مشترک، سرکوب اعتراضات مردمی را به شدت محکوم کردند. در این بیانیه آمده است: "ما سینماگران ایران، سرکوب اعتراضهای مردم را به هر بهانه محکوم می‌کنیم. اعتراض، حق طبیعی و مدنی هر انسانی است. هیچ قدرتی حق ندارد خود را مافوق مردم بداند."

سینماگران همچنین تاکید کردند: "نزدیک به نیم قرن است با وجود منابع عظیم طبیعی و انسانی در کشور عزیزمان ایران، نه عدالت محقق شده، نه رفاه و نه امنیت."

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: "فساد سازمان یافته و چپاول ثروت عمومی و ایدئولوژی هراس آور، زندگی مردم را به ورطه فقر، خفقان و ناامیدی کشانده و سرمایه‌های ملی در چالشهای منطقه‌ای نابود شده است."

امضائندگان در پایان اعلام کردند: "ما سینماگران، این روزها و این زخمها را تصویر خواهیم کرد و با تمام توان از حق آزادی بیان دفاع کرده، سرکوب و کشتار مردم معترض را محکوم می‌کنیم و در کنار مردم ایران ایستاده ایم."

شماری از امضائندگان این بیانیه عبارتند از: ویشکا آسایش، مصطفی آل احمد، پگاه آهنگرانی، مهناز افشار، مجید بزرگر، رخشان بنی‌اعتماد، جعفر پناهی، رویا تیموریان، رضا درمیشیان، محمد رسول اف، لیلی رشیدی، سامان سالور، بهتاش صنایعها، کیانوش عیاری، اصغر فرهادی، باران کوثری، مریم مقدم، مرضیه وفامهر و صفی یزدانیان.

"مستند، حافظه جمعی جامعه است"

مستندسازان ایرانی در بیانیه‌ای سرکوب حق طلبانه مردم را محکوم کردند. در این بیانیه آمده است: "مردمی که به خیابان

آمده اند، نه برای اغتشاش، بلکه برای بازپسگیری حق زیستن، حق انتخاب و حق دیده شدن برخاسته‌اند." مستندسازان با رد خشونت حکومتی نوشتند: "خشونت، بازداشت و سرکوب پاسخ این خواستها نیست. ممکن است صدای اعتراض را بتوان موقتاً خاموش کرد، اما واقعیت را نمی‌توان حذف کرد."

آنها نقش حرفه‌ای خود را چنین توصیف کرده اند: "به‌عنوان مستندساز، وظیفه ما ثبت و انتقال واقعیت است؛ مستند، حافظه جمعی جامعه است و حذف آن به معنای حذف تاریخ است."

این بیانیه از جمله به امضای رخشان بنی‌اعتماد، رضا علامه‌زاده، پگاه آهنگرانی، نیما سروستانی، سپیده فارسی، مژگان ایرانلو و ناهید پورسروستانی رسیده است.

"کار ما نوشتن از واقعتهای زندگی است"

فیلمنامه نویسان با اشاره به ماهیت حرفه خود نوشته اند: "کار ما نوشتن از واقعتهای زندگی است و نمی‌توانیم در برابر مصایبی که هر روز خشن تر از روز پیش بر زندگی مردم تحمیل می‌شود، سکوت اختیار کنیم." فیلمنامه نویسان نوشتند: "انجا که معیشت به بحران بدل می‌شود و آزادی در قفس نظارت و تهدید گرفتار می‌آید، اعتراض خیابانی اجتناب‌ناپذیر است."

آنها همچنین تاکید کردند: "برخورد قهری با این اعتراضهای راه حل نیست و مشکل را عمیق‌تر می‌کند امنیت با خاموش کردن صداها به دست نمی‌آید و ثبات با انکار واقعیت شکل نمی‌گیرد."

از جمله امضائندگان این بیانیه: بهتاش صناعی‌ها، شبیر شیرازی، فرزانه شبانی، مهنوش صادقی، مهتاب صداقت، حمزه صالحی و مهرنوش عبدی منفرد هستند.

حمایت رشا حلوه، نویسنده فلسطینی



رشا حلوه با انتشار ویدیویی درباره خیزش انقلابی مردم ایران گفت: "حکومتی که مردم خود را می‌کشد و زنان خود را سرکوب می‌کند، نمی‌تواند مردم من را آزاد کند و نمی‌تواند مرا آزاد کند."

رشا حلوه شاعر و نویسنده معاصر فلسطینی است که اشعار و نوشته‌هایش حول محور موضوعات اجتماعی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و حقوق فلسطینیان قرار گرفته اند.

جعفر پناهی جایزه خود را به معترضان تقدیم کرد



جعفر پناهی، کارگردان سرشناس ایرانی، در تاریخ ۱۱ ژانویه ۲۰۲۶ (۲۱ دی ۱۴۰۴)، جایزه بهترین کارگردانی انجمن منتقدان فیلم نیویورک برای فیلم "یک تصادف ساده"، به معترضان در خیابانهای ایران تقدیم کرد. پناهی هنگام دریافت این جایزه اظهار داشت که قصد دارد آن را با کمال عشق به مردمی که در خیابانها تظاهرات می‌کنند تقدیم کند.

کیهان کلهر خواستار حمایت موسیقیدانان جهان از مردم معترض شد



کیهان کلهر، موسیقیدان و نوازنده برجسته کمپچه ایران، با انتشار پیامی از همه اهالی موسیقی در جهان خواست صدای مردم ایران باشند. او با انتشار استوری در اینستاگرام با اشاره به سالها رنج و سرکوب مردم ایران، از هنرمندان خواست در برابر خشونت سازمانیافته حکومت سکوت نکنند و در کنار مردم بایستند.

وی در پیام خود نوشت: "نزدیک به چهار دهه است که کمپچه ام بر تابوت عزیزترین کسانم گریسته است. امروز از بقیه در صفحه ۱۱

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۰

همه موسیقیدانان می خواهیم که به من ببینند و صدای مردم ایران باشند." کیهان کلهر در ادامه با اشاره به قتل هموطنان مان توسط دیکتاتوری جمهوری اسلامی نوشت: "جوانان بی دفاع ایرانی اکنون با خشونت بی امان رو به رو هستند. این قساوت از سوی رژیم، شهرهای سراسر کشور را درنوردیده است."

"نسل جوان ایران آگاه است و راه را باز می کند."

بهمن قبادی، فیلمساز و نویسنده خطاب به جوانان گفت: "نسل جوان ایران آگاه است و راه را باز می کند." او با خطاب قرار دادن این نسل افزود: "جوانان، انقلابتان را که کردید، برای کشور به گونه ای مهندسی کنید که هیچ چیز و هیچ کس برای قرنهایتان نتواند ایران را تکان دهد."

شهادت جواد گنجی، کارگردان سینما



جواد گنجی دستیار کارگردان سینما و تلویزیون، ۳۹ ساله اهل همدان در جریان اعتراضهای مردمی در تهران با شلیک مستقیم نیروهای حکومتی جمهوری اسلامی به قتل رسید. بررسی های هنگاو و ویدیوهای دریافتی نشان می دهد که در جریان این سرکوب، نیروهای حکومتی ده ها شهروند دیگر را با شلیک مستقیم کشته اند و ابعاد خشونت بسیار گسترده بوده است.

شهادت مهدی سلحشور، هنرمند مجسمه ساز



مهدی سلحشور، هنرمند مجسمه ساز ساکن مشهد، روز پنجشنبه، ۱۸ دی ماه، با شلیک گلوله جنگی ماموران سرکوبگر در جریان خیزش انقلابی مردم مشهد کشته شد. وی پدر دو فرزند بود و پیش از این با ساخت یک مجسمه

شیر، در صفحه اینستاگرام خود نوشته بود: "ایران من، عشقی، دوست دارم، بیدار شو."

مهدی یراحی و برنج پاشی مردم آبدانان

مهدی یراحی، خواننده معترض روز چهارشنبه ۱۷ دی با اشاره به اعتراضهای سه شنبه شب در آبدانان و پاشیدن برنجها بر آسمان نوشت: دیشب مردم آبدانان سرکوبگر را سر جای خودش نشاندند. امروز یک ایران کنار همیم. سه شنبه شب ۱۶ دی ماه مردم معترض آبدانان مقابل فروشگاه افق کوروش با وجود مشکلات اقتصادی و معیشتی برنجهای این فروشگاه را به آسمان پرتاب کردند. بسیاری از کاربران شبکه های اجتماعی این حرکت اعتراضی را نشانه ای از مطالبه سیاسی مردم برای سرنگونی رژیم توصیف کردند. مهدی یراحی از جمله هنرمندانی است که در پی اعتراضهای سال ۱۴۰۱ در پی جانباختن مهسا امینی بازداشت و ممنوع الکار شد.

نیکی کریمی، مگر بار اول است؟



نیکی کریمی:
اعتراض حق طبیعی مردمی
است که دیگر چیزی برای از
دست دادن ندارند

نیکی کریمی، از بازیگران به نام سینما، با انتشار تصویری از معترضان در مشهد در حساب اینستاگرام خود درباره تماسها و فشارهای نهادهای امنیتی که به او وارد شده و با اشاره به اعتراضهای گذشته و وضعیت مردم در ایران نوشت: "مگر این اعتراضها دفعه اول است و یک شبه اتفاق افتاده؟ مگر نمی بینم هموطنم مشکل دارد؟ آب، برق، بیکاری، بی پولی مساله این است که سالها واقعیت زندگی مردم دیده نشده و نخواستند بشود."

اعتراض سهراب پورناظری به کشتار معترضان

چند روز پس از قطع کامل اینترنت در پی قیام سراسری دی ماه ۱۴۰۴، شماری از هنرمندان ایرانی در خارج از کشور با انتشار پیامهایی، با حمایت از معترضان، به گزارشها از کشته شدن معترضان واکنش نشان دادند. سهراب پورناظری، آهنگساز و نوازنده با انتشار ویدیویی اعلام کرد: "ما کردها جگرگوشه های ایران هستیم، پاره های تن ایران هستیم. در بزنگاههای تاریخی، بخشهای وسیعی از سرزمینهای کردنشین را از ایران جدا کردند. اکنون ایران دوباره در پیچ تاریخی مهمی قرار گرفته است." او در ادامه با اشاره به کشته شدن "هزاران جوان" در اعتراضات دی ۱۴۰۴ گفت: "به پاس خون آنها، ما کردها دست در دست یکدیگر از یکپارچگی ایران پاسداری می کنیم و یقین داریم که نور بر تاریکی پیروز خواهد شد."

گزارش مراسم زنده یاد بکتاش آبتین

روز، ۱۸ دی ماه، در مراسم سالگرد بکتاش آبتین، یک تن از اعضای کانون نویسندگان ایران و یکی از حاضران بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل شدند.

نیروهای امنیتی یوسف انصاری، نویسنده و عضو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران را که در بخشی از این مراسم بیانیه کانون را خوانده بود، دقایقی پس از اتمام مراسم و هنگام خروج از امامزاده عبدالله بازداشت کردند. دقایقی پس از آن مصطفی خسروی بآبادی نیز که شعری از بکتاش آبتین را خوانده بود، در امامزاده عبدالله بازداشت شد. تا این لحظه از نهاد بازداشت کننده و محل نگهداری انصاری و خسروی اطلاعی در دست نیست.

سارا رجایی جایزه خود را به معترضان تقدیم کرد



سارا رجایی، فیلمساز و انیماتور ایرانی که با انیمیشن کوتاه "شهر شاعران" برنده جایزه انیمیشن کوتاه ویمو آکادمی فیلم اروپا شد، این جایزه را به معترضان در ایران تقدیم کرد. خانم رجایی پس از دریافت جایزه اش در مراسم اهدای جوایز فیلم اروپا گفت: "مشب با قلبی اندوهگین اینجا هستم و این جایزه و این فیلم را به مردم شجاع ایران تقدیم می کنم. به ویژه آنها که جان خود را از دست دادند."

"شهر شاعران" انیمیشن کوتاهی است که قصه سالهای جنگ عراق و ایران و خیابانهای یک شهر را روایت می کند.

تشکیل پرونده قضایی برای ورزشکاران، سینماگران و اصناف

در پی خیزشهای توده ای دی ماه سال جاری که منجر به شهادت تعدادی از شهروندان شد، بیدادستانی تهران برای ۱۵ چهره ورزشی و سینمایی، ۱۰ امضاکننده بیانیه خانه سینما و ۶۰ واحد صنفی (کافه) پرونده قضایی تشکیل داده است. به دلیل حمایت از اعتراضات سراسری ۱۴۰۴، شعبه های دو کافه در تهران به دستور بیدادستانی به مدت دو ماه پلمب شدند. مجموعه کافه های وریا غفوری، ستاره سابق فوتبال و از اعضای کنونی کادر فنی تیم استقلال، تهران به دلیل همراهی با اعتصاب سراسری کردستان پلمب شده و یک کافه در شیراز به مدت دو ماه پلمب شد. بیدادگستری قم اعلام کرد که مالک کافه های «ساعدی نیا» به دلیل اینکه «مردم را دعوت به اغتشاش و آشوب کرده بود» بازداشت و دستور توقیف کلیه اموال و حسابهای بانکی او را صادر کرده است. (منابع: جنگ خبر، ههنگاو، رادیو فردا، صدای آمریکا، ایران وایر، بی بی سی، تشنیم)

جنبش رنگین کمان بیشماران (دی ۱۴۰۴)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

با طرح ادعای «کمبود کار»، آنان را تحت فشار قرار داده است.

شنبه ۶ دی

* شماری از کامیون‌داران در ساوه، مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش هرانا، رانندگان کامیون در اعتراض به وضعیت معیشتی خود، پایین بودن نرخ کرایه حمل بار، مشکلات پروانه‌های سوخت و نادیده گرفتن مکرر مطالبات شان از سوی مسئولان، دست به این اقدام زدند.

* گروهی از پرسنل پرستاری، کادر درمان و نیروهای فوریت‌های پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز، مقابل ساختمان استانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایلنا، حقوق معوقه، عدم پرداخت رفاهیات و حق لباس، دریافت حقوق ۱۸ میلیون تومان با وجود سابقه کاری ۱۵ تا ۲۰ سال، کارانه های ناچیز و بی توجهی مسئولان به مشکلات معیشتی این کارکنان، از جمله دلایل این اعتراض عنوان شده است.

* شماری از کارگران ابنیه فنی تراورس لرستان در اعتراض به عدم توجه به مطالبات صنفی خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، از جمله دلایل اعتراض این کارگران، دستمزدهای پایین نزدیک به ۱۷ میلیون تومان با وجود سابقه کاری بیش از ۱۵ سال، عدم پرداخت حق بیمه تکمیلی کارگران به شرکت بیمه‌گر به مدت ۵ ماه، تغییر هزینه بیمه تکمیلی از بیمه معلم به بیمه آسیا، عدم دریافت مطالبات عرفی و مناسبتی طبق بخشنامه مدیریت راه‌آهن و پیگیری تبدیل وضعیت از نیروی پیمانکاری به نیروی قرارداد مستقیم شرکت راه‌آهن از سال ۱۴۰۰ است.

* کارگران پیمانکاری نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن تهران شاغل در محور ریلی تهران به تبریز برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران گفتند: نگهداری از خطوط ریلی تحت مسئولیت شرکتی است که از چهار سال پیش به دولت واگذار شده؛ لذا باید وضعیت شغلی و قراردادهای همه کارگران بدون تبعیض به قرارداد مستقیم با دولت تبدیل شود تا امنیت شغلی داشته باشند.

* قصابان قصابان در اعتراض به ممنوعیت فعالیت کشتارگاهها در شهرستانهای استان مقابل استانداری تجمع کردند. به گفته معترضان، این تصمیم مستقیم روی بازار اثر گذاشته و قیمت گوشت در شهر گناوه حدود ۱۰۰ هزار تومان افزایش یافته است.

یکشنبه ۷ دی

* شماری از کارگران معدن طلای زرشوران تکاب، برای چهاردهمین روز متوالی (هفتمین روز در این ماه) مقابل درب ورودی این مجموعه تجمع برگزار کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض در تشریح دلایل اعتراض خود گفتند: کارگرانی که در معدن کار می‌کنند، حقوق و مزایای کمتری نسبت به پرسنل شاغل در کارخانه دارند؛ ما خواستار افزایش دستمزد و بهره‌مندی از مزایای مزدی و مناسبتی هستیم.

بقیه در صفحه ۱۳

سه شنبه ۲ دی

* شماری از پرستاران شاغل در بیمارستان رازی اهواز با برگزاری تجمع و سردادن شعارهایی، به وضعیت دشوار معیشتی خود و بی‌توجهی مسئولان به مطالبات صنفی پرستاران، اعتراض کردند. به گزارش شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، پرستاران در شهرهای مختلف به فشار کار زیاد، دستمزد پایین، اضافه‌کار اجباری، عدم اجرای صحیح قانون تعرفه‌گذاری، کارانه‌های ناچیز و تأخیر چند ماهه در پرداخت کارانه اعتراض کردند.

* جمعی از خریداران پروژه موسوم به مسکن اینترگران برازجان، با تجمع مقابل بیدادگستری شهرستان دشتستان، خواستار رسیدگی قضایی و محاکمه شرکت مجری پروژه شدند. به گزارش صدای استان، به گفته معترضان، این شرکت اقدام به فروش حدود ۲۸۰ واحد آپارتمانی کرده، در حالی که پروژه پس از سالها همچنان بلا تکلیف مانده است. بسیاری از خریداران نه واحدی تحویل گرفته‌اند و نه تکلیف حقوقی روشنی دارند. معترضان با در دست داشتن پلاکاردهایی، خواستار ورود دستگاه قضایی، شفاف سازی وضعیت پروژه و تعیین تکلیف نهایی قراردادهای شدند. آنها تأکید کردند ادامه این بلا تکلیفی، زندگی و معیشت دهها خانواده را با مشکل مواجه کرده است.

* اهالی منطقه انجلیسی بابل کنار با همراهی اهالی روستاهای همجوار برای اعتراض به ورود دوباره زباله در این منطقه جنگلی استان مازندران مقابل ورودی سایت زباله تجمع کردند.

چهارشنبه ۳ دی

* شماری از مالباختگان صرافی کریپتولند، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل بیدادسرای تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرانا، شهروندان معترض، با سردادن شعارهای اعتراضی خواستار رسیدگی به پرونده این شرکت و بازپس‌گیری داراییهای خود شدند.

* برای بیست و یکمین روز متوالی، کارگران کشت و صنعت میان آب، واقع در شهرستان کرخه در استان خوزستان، به اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و معیشتی و عملکرد مدیریت با اعتصاب، راهپیمایی، تجمع و سردادن و سردادن شعارهای «باقری حیاکن شرکت ورهاکن» و «همتی حیاکن شرکت ورهاکن»، ادامه دادند.

پنجشنبه ۴ دی

* کارگران شرکت تعمیرات نیروگاه بخار ایرانشهر برای اعتراض به کسر حقوق و برخورد های توهین آمیز مدیران و تهدید به اخراج کارگران حق طلب دست به تجمع در این نیروگاه در استان سیستان و بلوچستان زدند. به گزارش حال وش، حقوق کارگران این شرکت بدون ارائه توضیح یا مستندات قانونی، بین ۵ تا ۱۰ میلیون تومان کاهش یافته است. کارگران اعلام کرده‌اند که این تصمیم به‌صورت یک‌طرفه اعمال شده و هیچ پاسخ روشنی از سوی مدیریت درباره علت این کسر حقوق ارائه نشده است. بنا به همین گزارش، مدیریت شرکت در برخورد با کارگران بلوچ عبارات توهین آمیزی مانند «چوپان» و «بی سواد» استفاده کرده و

با پایان هفته اول دی ماه، جنبش انقلابی سراسری با اعتصاب و تجمع بازاریان شروع شد. خیزشهای سراسری که در آن تهیدستان نقش عمده داشتند، در صدها شهر (بدون تکرار) طی دو هفته و بیش از هزار تجمع و تظاهرات در روز و شب همراه با سرکوبهای گسترده و قتل هزاران شهروند ایران زمین (به اعتراف خامنه‌ای هزاران تن)، سبب کاهش حرکت‌های جمعی نیروهای کار شد.

با این حال کارگران و تهیدستان در واکنش به شرایط فاجعه بار و فقر و فلاکتی که با آن درگیر هستند دستکم ۱۲۵ روز حرکت اعتراضی در ماه دی انجام دادند. گزارش کوتاه این حرکت‌ها را در این مجموعه خواهید خواند. حرکت‌های اعتراضی معلمان و دانشجویان جداگانه در شماره کنونی ماهانه نبرد خلق پوشش داده می‌شود. در همین ماه شاهد سه شبه‌های اعتراضی زندانیان سیاسی و همزمان تجمع خانواده‌های محکوم به اعدام بودیم.

شماری از حرکت‌های اعتراضی نیروهای کار



دوشنبه ۱ دی

* کسبه شاغل در محدوده خیابان حافظ شهرستان ایرانشهر مقابل فرمانداری این شهرستان دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش حال وش، این تجمع پس از سرقت مسلحانه از یک واحد صنفی در خیابان حافظ ایرانشهر و در اعتراض به نبود امنیت و بروز ناامنی صورت گرفته است.

* فیلم‌های منتشره در شبکه‌های اجتماعی، از ادامه اعتراض مالباختگان پروژه حکیم با تجمع مقابل دادگاه جرائم اقتصادی تهران برای چندمین بار با شعار «رسیدگی فوری حق مسلم ماست»، خبر می‌دهند.

* شماری از دامداران با تجمع مقابل استانداری یزد، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش هرانا، این دامداران نسبت به عدم تامین نهاده، افزایش قیمت نهاده‌ها، پایین بودن قیمت شیر و بی توجهی مسئولان به مشکلات موجود، اعتراض دارند. آنها می‌گویند شرکت تعاونی مربوطه نهاده تولید نمی‌کند و قیمت‌ها نیز افزایش شدید داشته است؛ در این وضعیت به شهروندان این طور القا می‌شود که دامداران گرانفروشی می‌کنند. در حالی که تغییرات قیمت‌ها ناشی از افزایش قیمت نهاده‌ها است و این روند، به نابودی صنعت دامداری می‌انجامد ندارد.

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۲



دوشنبه ۱۵ دی

*کارگران کشت و صنعت قند خاورمیانه به اعتصاب و تجمع شان در اعتراض به خلف وعده مدیرعامل و اخراج ۳ همکار حق طلب پس از ۱۵ روز به دنبال وعده تحقق خواسته ها از طرف کارفرما، خاتمه دادند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: مطالبات ما در چند بند، هم به صورت کتبی و هم شفاهی بارها درخواست شده است. مطالبات ما بازگشت به کار همکاران اخراجی، تمکین مدیریت به پرداخت حق غذا یا پرداخت معادل ریالی آن، پرداخت حقوق ترمیمی در دوره تعمیرات، موضوع قراردادهای کارگران، پرداخت حقوق آذرماه و وصول مطالبات عرفی و مناسبتی بود که بجز پرداخت حقوق آذرماه، مابقی مطالبات در حد وعده و وعید باقی مانده است.

سه شنبه ۱۶ دی

*شماری از کارگران شاغل در ایستگاه راه آهن شهر چابهار در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زدند. به گفته منابع حال وش: «کارگران این مجموعه اعلام کردند که حقوق آنها به مدت دو ماه پرداخت نشده و با وجود پیگیریهای مکرر، تاکنون پاسخ روشنی از سوی مسئولان مربوطه دریافت نکرده اند. منابع در ادامه افزودند: «کارگران خواستار پرداخت فوری حقوق معوقه و رسیدگی مسئولان به وضعیت معیشتی خود هستند و اعلام کرده اند تا زمان تعیین تکلیف مطالباتشان، به اعتصاب ادامه خواهند داد.»

*کارگران پروژه راه آهن چابهار برای اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق و عدم پاسخگویی مسئولان دست از کار کشیدند و در ایستگاه راه آهن چابهار تجمع کردند. کارگران معترض گفتند: حقوق آنها به مدت دو ماه پرداخت نشده و با وجود پیگیریهای مکرر، تاکنون پاسخ روشنی از سوی مسئولان مربوطه دریافت نکرده اند.

*جمعی از کارگران کارخانه آذراب اراک نسبت به عدم بازگرداندن اموال خارج شده از شرکت برای اعتراض به عدم بازگرداندن اموال خارج شده از شرکت توسط سهامدار قبلی دست به تجمع زدند و خواستار ورود و پیگیری مقامات قضایی برای روشن شدن ابعاد پرونده مذکور و جبران زیانهای تحمیل شده به این شرکت شدند.



بقیه در صفحه ۱۴

کرج (بزرگراه فتح) و از گروه خودروسازی سایپا، برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق، دست از کار کشیدند. به گزارش کانال سرخط، کارگران شرکت رادیاتور ایران و تیناصنعت که زیرمجموعه این شرکت است، به علت عدم پرداخت حقوق و تعویق در دریافت مطالبات دست به اعتصاب زدند.

*خانواده های شماری از شهروندان بلوچ فاقد شناسنامه که در پی یورش نیروهای نظامی و لباس شخصی به مناطق «بُخ» و «گاریز» از توابع شهرستان تفت بازداشت و به اردوگاه وحدت در منطقه محمداباد یزد منتقل شدند، با تجمع مقابل این اردوگاه خواستار آزادی فوری اعضای خانواده خود شدند. *جمعی از درمانگران اعتیاد کشور برای اعتراض به کمبود شربت تریاک باردیگر مقابل وزارت بهداشت در تهران با شعارهای «وزارت مافیای پیوندتان مبارک»، «مسئول بی لیاقت استعفا استعفا»، «ما منتظر نتیجه هستیم»، «داروی بیمار ما تامین باید گردد»... و... تجمع کردند.

*کارگران کارخانه آجر ماشینی توکل شاورو برای اعتراض به بالاترین شغلی و معیشتی به دنبال قطع گاز دست به تجمع مقابل ورودی این واحد تولیدی در جاده اندیمشک - اهواز، شهر شاورو از توابع شهرستان کرخه و استانداری خوزستان زدند. به گفته یکی از کارگران این کارخانه؛ شرایط اقتصادی سخت است و نرخ تورم مدام در حال افزایش است، حقوق و دستمزد کارگران پاسخگوی تامین معیشت و نیازهای آنها نیست؛ توقف تولید و تعطیلی کارخانه شاید با کاهش حقوق همراه باشد و این موضوع می تواند عامل افزایش مشکلات کارگران این واحد تولیدی باشد.

سه شنبه ۹ دی

*کامیونداران و صاحبان ماشین آلات راهسازی بوشهر برای اعتراض به کاهش سهمیه گازوئیل مقابل استانداری تجمع کردند. تجمع کنندگان گفتند: در صورتی که وضعیت بر همین منوال ادامه داشته باشد و شرکت پخش از افزایش سهمیه گازوئیل رانندگان خودداری کند، بسیاری از پڑوه های عمرانی و راهسازی به طول کامل متوقف می شوند که خسارت زیاد و تبعاتی برای کشور دارد.

آدینه ۱۲ دی

*شماری از کارگران ابنیه فنی راه آهن درود، شاغل در ایستگاه ازنا تا تنگ هفت، برای دوازدهمین روز متوالی (ده روز در این ماه) دست به تجمع اعتراضی زدند. براساس گزارش ایلنا، کارگران معترض، نامشخص بودن وضعیت مطالبات معوقه خود و مشکلات پرداخت نشدن حق بیمه تکمیلی کارگران به شرکت بیمه گر از مهم ترین مطالبات خود عنوان کردند.

یکی از این کارگران در این خصوص گفت: حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ کارگر در واحد نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن ناحیه درود لرستان شاغل هستند که از پنج ماه پیش تحت پوشش بیمه تکمیلی معلم قرار گرفته اند. با وجود اینکه کارفرما ماهانه مبالغی را بابت بیمه تکمیلی از حساب کارگران کسر می کند اما این مبالغ به حساب شرکت بیمه گر واریز نمی شود.

روز جمعه ۱۲ دی، کارگران نگهداری خط و ابنیه فنی راه آهن لرستان پس از ۱۳ روزدنبال وعده تحقق خواسته ها از طرف نماینده کارفرما به اعتصاب و تجمعشان در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت، سطح نازل حقوق و پرداخت نشدن مطالبات، خاتمه دادند.



یکی از این کارگران گفت: به نیروهای کارخانه در اعیاد و مناسبتها پاداش می دهند اما ما کارگران معدن از این مزایا محرومیم. کار در معدن طلای زرشوران سخت است ولی با این حال، متوسط دستمزد ما چیزی حدود بیست میلیون تومان است. او افزود: ما کارگران معدن طلا، پیمانکاری هستیم و سهم عادلانه ای از رنج و مرارت خود نمی بریم. بایستی مزایای مزدی ما مطابق با سختی کارمان افزایش یابد.

معدن طلای زره شوران واقع در ۳۵ کیلومتری شهرستان تکاب، استان آذربایجان غربی است.

*جمعی از کارکنان بهزیستی، مقابل ساختمانهای این سازمان در شهرهای رشت، شیراز و بهبهان، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارکنان خواهان حل مشکلات معیشتی و افزایش حقوق های خود هستند.

*تعدادی از رانندگان استیجاری شاغل در نهادهایی همچون نفت و گاز، برق و مخابرات، از شهرهای مختلف کشور به تهران رفته و برای دومین روز متوالی مقابل نهاد ریاست جمهوری دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این رانندگان که برخی از آنها سابقه حضور در جنگ هشت ساله را دارند، خواهان تبدیل وضعیت شغلی خود به رسمی هستند.

*کارگران کارخانه فولاد پارس هفت تپه برای انعکاس صدای اعتراض شان نسبت به بالاترین شغلی و معیشتی در پی تعطیلی به دلیل کمبود مواد اولیه و نبود گاز دست به تجمع مقابل این واحد تولیدی شهرستان شوش، زدند. آنان تأکید کردند: این شرایط با افزایش هزینه های زندگی فشار مضاعفی را بر خانواده های کارگری وارد کرده است.

دوشنبه ۸ دی

جمعی از درمانگران اعتیاد با برگزاری تجمعی صنفی مقابل سازمان غذا و دارو، نسبت به کاهش شدید و بی سابقه توزیع شربت تنتور ایپوم هشدار دادند؛ دارویی حیاتی که به گفته آنان ستون اصلی درمان صدها هزار بیمار در کشور است. به گزارش ایلنا، در این تجمع اعلام شد که توزیع شربت تنتور ایپوم تا حدود ۹۰ درصد کاهش یافته و بسیاری از مراکز درمانی که باید صدها شربت در هر دوره دریافت کنند، اکنون تنها ۱۵ تا ۳۰ عدد تحویل می گیرند؛ وضعیتی که عملاً درمان بیماران را متوقف کرده است. درمانگران تأکید کردند که ادامه این وضعیت می تواند منجر به خروج گسترده بیماران از چرخه درمان، افزایش مصرف مواد صنعتی و تزیینی و تهدید جدی سلامت عمومی شود. آنان خواستار اقدام فوری سازمان غذا و دارو و وزارت بهداشت برای تامین کامل سهمیه قانونی مراکز درمان اعتیاد شدند.

*کارگران کارخانه های رادیاتور ایران (یکی از بزرگترین تولیدکنندگان رادیاتور خودرو) و تیناصنعت مبدل (یکی از بزرگترین تولیدکنندگان مبدلهای حرارتی آلومینیومی خودرو تحت پوشش شرکت رادیاتور ایران) واقع در جاده مخصوص

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۳

جنبش اعتراضی کارگران صنایع نفت، گاز و پتروشیمی

(منبع: شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، ایلنا، به گزارش افکار نفت)

دوشنبه ۱ دی: کارگران شرکت پتروشیمی تخت جمشید، دست از فعالیت روزانه خود کشیده و تجمع اعتراضی برگزار کردند. اعتراض این کارگران به شرایط معیشتی سخت و عدم پرداخت مطالبات معوقه خود صورت گرفته است.

همزمان جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه لاوان، دست به تجمع اعتراضی زدند.

سه شنبه ۲ دی: جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه سیری تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارکنان معترض خواستار پرداخت کامل حقوق، حذف سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات، اصلاح کف حقوق و عدم ادغام صندوق بازنشستگی با سایر صندوقهای ورشکسته هستند.

چهارشنبه ۳ دی: کارگران پتروشیمی تخت جمشید در واحد اداری این مجتمع واقع در بندر ماهشهر، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۲ در اعتراض به سطح نازل حقوق و سر دادن شعارهای «اتحاد اتحاد»، «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه» و... برای سومین روز متوالی خبر می دهند.

همزمان جمعی از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه خارک تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارکنان معترض خواستار پرداخت کامل حقوق، حذف سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات، اصلاح کف حقوق و عدم ادغام صندوق بازنشستگی با سایر صندوقهای ورشکسته هستند.

شنبه ۶ دی: تعدادی از کارگران شرکت پتروپالایش کنگان دست به تجمع زدند. به گزارش آینه جنوب، کارگران شرکت پتروپالایش کنگان، با برگزاری تجمع اعتراضی نسبت به عدم پرداخت معوقات مزدی خود در محوطه این شرکت خواستار رسیگی به مطالبات خود شدند.

همزمان شماری از کارکنان شرکت نفت فلات قاره ایران در منطقه لاوان تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش افکار نفت، مطالبات این کارکنان معترض، شامل پرداخت کامل حقوق و مزایا، حذف سقف حقوق و پاداش، حذف سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات، شفاف سازی نحوه

محاسبه مالیات، پرداخت مالیاتهای اضافی کسر شده، توجه به معیشت و منزلت کارکنان صنعت نفت، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک پی آن، حذف تفکیک مشاغل به تخصصی و پشتیبانی و استقلال کامل صندوق بازنشستگی می شود.

در همین روز، کارگران اورهال پتروشیمی پارس عسلویه (شرکت پیمانکاری فراز اندیش فلارد) به اعتصاب شان با ترک نکردن خوابگاه پس از ۴ روز در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه حقوق وحق بیمه در پایان کار تعمیرات درپی وعده پرداخت مطالبات مبنی بر تسویه حساب طی ۴۸ ساعت آینده پایان دادند.

دوشنبه ۸ دی: کارگران شرکت نفت فلات قاره در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات درمناطق عملیاتی سیری و لاوان با شعارهای «مجلسی وزارت حیاکن حیاکن»،

«مجلسی وزارت خجالت خجالت»، «ادغام صندوقها خلاف شرع وقانون»، «محدودیت پرداخت ملغی باید گردد»، «تبعیض ظالمانه ابطال باید گردد»، «فیش حقوقی داغون خلاف شرع وقانون»، «مشکل ما کف و سقف حقوقه هروعه ای که می دهند دروغه»، «خواسته ما یک کلام مزد تمام وسلام» و... تجمع کردند.

همزمان کارگران روزمزد پتروشیمی نگین مکران چابهار (شرکت کیمیا صنعت مینا) برای اعتراض به قراردادهای صوری و پرداخت نشدن حقوق دست به اعتصاب و تجمع زدند.

شرکت کیمیا صنعت مینا از شرکت های موجود در پتروشیمی مکران چابهار است، کارگران را به صورت اسمی زیرمجموعه دو شرکت پیمانکاری «ساینا صنعت» و «پارس قدرت» ثبت کرده است؛ در حالی که این دو شرکت نیز از زیرمجموعه های کیمیا محسوب می شوند و کار واقعی کارگران مستقیماً برای کیمیا صنعت مینا انجام می گیرد.

سه شنبه ۹ دی: اعتراض کارگران شرکت نفت فلات قاره نسبت به عدم پاسخگویی به مطالبات مبنی بر پرداخت کامل حقوق، حذف سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات، مرجوع نمودن مالیاتهای اخذ شده طبق قوانین موجود، اجرای کامل ماده قانون و اختیارات وزارت نفت و پرداخت کامل بک پی آن و استقلال صندوق بازنشستگی نفت، به برپایی تجمع در منطقه عملیاتی سیری، ادامه پیدا کرد.

در همین روز کارگران پالایشگاه گاز فجر جم دست از کار کشیدند و با راهپیمایی و تجمع اعتراضی مقابل ساختمان اداری پالایشگاه، خواستار رسیدگی به خواسته های شان گردیدند.

به گزارش افکار نفت، برخی از خواسته های فوری همکاران عبارتند از:

- ۱- بهره مندی از یک تشکل کارگری غیر وابسته،
- ۲- حذف پیمانکاران واسطه در نفت،
- ۳- افزایش فوری مزد متناسب با شرایط بحرانی معیشتی و گرانی افسارگسیخته بازار،
- ۴- بازنگری و اصلاح و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با رویکرد نظام همسان سازی دستمزد،
- ۵- پرداخت هزینه قطع امکانات رفاهی (حق کمپ) بطور یکسان به همه کارگران
- ۶- ساماندهی وضعیت رانندگان
- ۷- برقراری شرایط رفت و برگشت به محل کار بصورت هوایی و زمینی (هواپیما و اتوبوس)،
- ۸- رفع تبعیضات مزدی و بهره مندی از کارت های هدیه و مزایای مناسبتی بصورت یکسان با کارگران رسمی،
- ۹- بهره مندی از تسهیلات بانکی و وامها بصورت یکسان با کارگران رسمی و ...

چهارشنبه ۱۰ دی: کارگران پتروشیمی تخت جمشید ماهشهر بعد از یک هفته، به اعتراض نسبت به حقوق ناچیز و مشکلات معیشتی خود پایان دادند. به گزارش ایلنا، کارگران شرکت پتروشیمی تخت جمشید در ماهشهر، از پایان اعتصاب خود خبر دادند.

یکشنبه ۱۴ دی: کارگران شرکت نفت فلات قاره در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات شان درمناطق عملیاتی سیری و لاوان تجمع کردند.

در همین روز تجمع کارگران بازنشسته صنعت نفت در اعتراض به سطح نازل حقوق، عدم پرداخت مطالبات و دست درازی دولت به صندوق بازنشستگی در اهواز.

دوشنبه ۱۵ دی: تجمع اعتراضی پرسنل رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان در اعتراض به

عدم توجه وزارت نفت به مطالبات برحق و قانونی نیروهای زحمتکش مناطق عملیاتی.

سه شنبه ۱۶ دی: کارگران شرکت نفت فلات قاره در اعتراض به عدم پاسخگویی به مطالبات درمناطق عملیاتی سیری و لاوان تجمع کردند.

همزمان کارگران بازنشسته صنعت نفت در اعتراض به سطح نازل حقوق، عدم پرداخت مطالبات و دست درازی دولت به صندوق بازنشستگی مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت در اراک تجمع کردند.

چهارشنبه ۱۷ دی: تجمع کارگران شرکت نفت فلات قاره منطقه خارک.

در همین روز تجمع کارگران در دو پالایشگاه پارس جنوبی و کنگان در همبستگی با اعتراضهای مردم در کف خیابان و در اعتراض به مشکلات معیشتی خود با تاکید بر حذف پیمانکاران و جمع شدن بساط مافیایی آنها.

جنبش سراسری بازنشستگان

(منبع: شورای بازنشستگان ایران، ایلنا و افکار نفت)



دوشنبه ۱ دی: تجمع بازنشستگان مخابرات در شهرهای اهواز، اصفهان، ارومیه، بیجار، بندرعباس، تبریز، تهران، سنجند، سقز، شیراز، کرمانشاه، مشهد و همدان.

سه شنبه ۲ دی: جمعی از بازنشستگان کشوری، تامین اجتماعی و مخابرات مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری استان کرمانشاه دست به تجمع زدند. به گزارش شورای بازنشستگان ایران، بازنشستگان در این تجمع خواستار بهبود خدمات بیمه ای و رفاهی، بیمه کارآمد، اجرای کامل طرح همسان سازی و تحقق سایر مطالبات شان شدند. آنان همچنین با سردادن شعارهایی خواستار آزادی دانشجویان زندانی شدند.

شنبه ۶ دی: شماری از بازنشستگان صنعت نفت، مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی در شهرهای اهواز، کرمانشاه و شاهرود دست به تجمع اعتراضی زدند.

یکشنبه ۷ دی: تعدادی از بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل ساختمانهای این سازمان در شهرهای اهواز، تهران، کرج، کرمانشاه، شوش و رشت، دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، تجمع این بازنشستگان در کرمانشاه، همراهی اعتراضی رانندگان خودروهای عبوری را نیز به دنبال داشت. همچنین، بازنشستگان معترض در رشت، با سر دادن شعارهایی خواستار توقف احکام اعدام شدند. همسان سازی حقوق ها، افزایش دریافتی های متناسب با هزینه های زندگی، خروج سازمان تامین اجتماعی از انحصار دولت، رفع مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی و اجرای ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی جهت دریافت خدمات درمانی رایگان، از جمله خواسته های بازنشستگان معترض است.

در همین روز گروهی از بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان در مقابل اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این شهر دست به تجمع زدند.

بقیه در صفحه ۱۵

معنی «نه جنگ، نه مذاکره»، جنگ با مردم بی سلاح در کف خیابان است

زینت میرهاشمی



روز دوشنبه ۲۹ دی، سران سه قوه رژیم سرکوبگر طی بیانیه ای از تیزکردن شمشیر سرکوب خبر دادند. آنها برای سفید کردن کشتار هزاران شهروند در کوچه و خیابان، دزدیدن زخمیها از بیمارستانها و دستگیری هزاران تن از معترضان، به ترفند شکست خورده تقسیم بندی معترضان به «فربخ خورده» و «اغتشاشگر» متوسل شدند. جمع سرکوبگران در بیانیه شان نوشته اند: «رأفت اسلامی و ملایمت را با فربخ خوردگانی که نقش اساسی در حوادث تروریستی نداشته اند، به کار بندیم».

حارویون خامنه ای از باندهای حاکم تا دلواپسان اصلاحگر و معتدل ... پیام خشم مردم در خونین ترین قیام را به خوبی شنیده اند. نگرانی آنها در نشخوار حرفهای خامنه ای در «فتنه»، «اغتشاشگر» و «توطئه» خواندن طوفانی که طی دو هفته دنیا را لرزاند، سقوط دیکتاتوری است که آنها استخوانی از ثروت غارت شده کشور نصیب شان شود.

صحبتهای پزشکیان، دست نشانده ولی فقیه پیرامون برابر دانستن جان «رهبر جلاد» با جان ۹۰ میلیون جمعیت ایران و پاسدار قالیباف در مجلس ارتجاع در روز دوشنبه ۲۹ دی، دقیقاً واکنشی به کنشگری هدفمند مردم با کانونی ترین شعار قیام «مرگ بر خامنه ای» است.

پزشکیان در نقش آبرومند کردن رهبرش گفته است که: «هرگونه تجاوز یا تعرض به رهبر معظم کشور، به منزله اعلام جنگ تمام عیار علیه ملت ایران است». پاسدار قالیباف در صحن مجلس ارتجاع که رای مردم را هم ندارد مدعی شد «خون ملت ایران هدیه به رهبر است».

غلامحسین محسنی اژه ای بعد از «قتل فله ای» هزاران نفر از مردم در خیابان وعده شکنجه و اعدام برای بازداشت شدگان داد. اژه ای جلاد که قبلاً گفته بود «این بار هیچ ارفاقی به اغتشاشگرها نمی کنیم»، اکنون در شبکه ایکس (امکانی که در دسترس عموم مردم نیست) نوشته است: «با سرعت و دقت در رسیدگی به پروندههای اغتشاشات در کوتاه ترین زمان، احکام صادره موثرتر و بازدارنده خواهد بود». وزیر بیدادگستری رژیم گفته است: «هر کس ۱۸ تا ۲۱ دی ماه در خیابان بوده مجرم است».

پاسدار رادان مدعی شده اگر کسانی که ظرف ۳ روز حداکثر خودشان را معرفی کنند و بگویند فربخ خورده اند «قطعا در مجازات شان تخفیف زیادی قائل» خواهد شد.

عراقچی شیدانه در برابر حرف تجارت مایانه ترامپ در مورد قول توقف اعدام ۸۰۰ نفر از طرف رژیم، گفته است که «اعدام معترضان اصلا مطرح نیست».

آخوند محمد خاتمی نقابش را کنار زده و خشکسالی و فقر را برای ۸۰ درصد مردم قابل تحمل دانسته و گفته است: «این درخت تناور گرچه سالها می تواند در خشکسالی و طوفان دوام بیاورد ولی امروز تهدیدهای داخلی و خارجی و مشکلات چنان انبوه و بزرگ است که بیم آن می رود که این درخت تناور، یکباره پژمرده شود و از پا بیفتد، که آن روز مباد».

مجموعه واکنشهای سرنشینان قطار فرسوده و ترمز بریده حکومت، در برابر کنش هدفمند و آگاهانه مردم برای سرنگونی رژیم است. آن چیزی که اتفاق افتاده است دقیقاً جنگ واقعی رژیم با مردم در کف خیابان به بهانه دروغین دشمن «خارجی» است. رژیم دشمن واقعی خودش را مردم مخالف استبداد می داند نه پهلوی خواهان و نه دیگران.

فراسوی خبر ... سه شنبه ۳۰ دی

پیشروی جامعه، فرسایش قدرت

منصور امان

بدون توجه به صدای شیپور حمله خامنه ای و خط و نشان کشیدن پادوهای وی، خیزش سرنگونی بی هراس و شتابان به پیش می رود. شهرهای بزرگ و کوچک کشور یکی پس از دیگری به صف قیام می پیوندند و با هر روزی که به عمر اعتراضات افزوده می شود، ترکیب اجتماعی آن نیز غنای بیشتری می یابد. گروههای اجتماعی دیگری که در گذشته کمتر در خیابان حضور داشتند، امروز با صدایی روشن تر و حضوری پررنگ تر وارد میدان شده اند و همین تنوع، وزن و عمق اعتراضات را چند برابر کرده است.

علی خامنه ای و دستگاه تحت امر او در برابر موج جدید اعتراضات نه حرف و نه تدبیر تازه ای دارند. آنها با الگوهای قدیمی و ابزارهای کهنه به جنگ با مردم آمده اند؛ الگو و ابزارهایی که زمانی شاید کارآمد به نظر می رسیدند، اما اکنون در برابر جامعه ای دگرگون شده، کارکرد خود را از دست داده اند. میدان جنگ به کلی دگرگون شده، عوامل دخیل در توازن نیرو جابجا شده و شرایط دو طرف در «بالا» و «پایین» نه تنها شبیه ۱۴۰۱ نیست، بلکه حتی به هفت ماه پیش هم شباهتی ندارد.

از یکطرف تنگنای اقتصادی عمیق امکان مانور را از حاکمیت گرفته و در پی آن، ابزارهای همیشگی خرید زمان و آرام سازی مقطعی را بی اثر کرده است. طرحهایی از جنس «یک میلیون تومان برای هر نفر» نه تنها از نظر مالی پشتوانه ای ندارد، بلکه بیش از آنکه راه حل باشد، نشانه آشفتگی و ناتوانی در مواجهه با واقعیهای اقتصادی است. جامعه ای که سالها زیر بار تورم، بیکاری و سقوط معیشت له شده، دیگر با وعدههای توخالی و مسکنهای بی اثر فربخ نمی خورد. چشم قیمتها و تداوم سقوط ارزش پول ملی بی درنگ پس از اعلام «کمک» یک میلیونی، مشت خالی حاکمیت را برای مردم بیشتر باز کرده است.

از طرف دیگر، فشارهای خارجی و منطقه ای رژیم حاکم را در موقعیتی شکننده تر قرار داده است. شکستهای پی در پی در میدانهای نفوذ منطقه ای، از لبنان تا سوریه و عراق، نه تنها هزینه های سیاسی و امنیتی آن را افزایش داده، بلکه منابع مالی و توان عملیاتی اش را نیز فرسوده کرده است؛ آنچه که در رویکرد سختگیرانه طرفهای خارجی ج.ا. به خوبی مشاهده پذیر است. تهدیدهای صریح برخی بازیگران خارجی مبنی بر دخالت در صورت اعمال خشونت علیه معترضان از این زمینه سرچشمه می گیرد. این پیامها، فارغ از مضمون سیاسی، به حاکمان ج.ا. نشان می دهد که میدان داخلی دیگر از فشارهای بیرونی جدا نیست و رویکرد آنها می تواند پیامدهایی فراتر از محاسبات معمول داشته باشد.

تغییرات رخ داده، مسیر آینده را که با نان و آزادی نشانه گذاری شده تعیین می کند. مردمی که امروز در خیابان حضور دارند، با آگاهی از همین ضعفهای ساختاری پیش می روند. پیشروی آنها از دل تجربه های پشت سر گذاشته شده، هزینه های داده شده و درک ضرورت سرنگونی استبداد مذهبی حاکم برآمده است.

فراسوی خبر ... پنجشنبه ۱۸ دی

جنبش رنگین کمان بیشماران

بقیه از صفحه ۱۳

به گزارش شورای بازنشستگان ایران، اجرای همسان سازی، حذف سقف حقوق، عدم ادغام صندوق بازنشستگی صنایع فولاد در صندوق بازنشستگی کشوری و حل مشکلات مربوط به خدمات درمانی، از جمله مطالبات بازنشستگان معترض به شمار می آید.

دوشنبه ۸ دی: بازنشستگان مخابرات ایران در شهرهای همدان، کرمانشاه، اصفهان، اهواز، تبریز، رشت، زنجان، سنج، شیراز، کرمانشاه و همدان تجمع کردند و نسبت به عدم اجرای کامل آییننامه ۸۹ فریز شدن خواربار و رفاهیات و مشکلات بیمه تکمیلی اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، بازنشستگان در شعارهای خود به وعده های توخالی سهامداران مخابرات اشاره و تأکید کردند که پس از خصوصی سازی، بسیاری از حقوق و مزایای آنها نادیده گرفته شده است. آنها عملکرد سهامداران این مجموعه را مورد انتقاد قرار دادند.

یکشنبه ۱۴ دی: کارگران بازنشسته کشور نسبت به سطح نازل حقوق منجمده مصوبه مزدی ضد کارگری شورای عالی کار، وضعیت نامناسب خدمات بیمه درمانی در شهرهای اهواز، تهران، کرج، رشت و قزوین تجمع کردند.

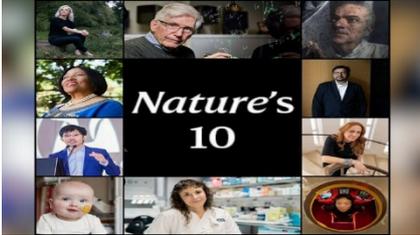
سه شنبه ۱۶ دی: مزدوران حراست ساختمان شماره سه مرکزی نفت اهواز (روبروی ترمینال مسجدسلیمان) به بازنشستگان و کارکنان معترض یورش بردند. ویدئوی رسیده نشان می دهد نیروهای حراست با ضرب و شتم، گوشی موبایل چند تن از بازنشستگان را غصب کردند، اما بازنشستگان گوشیهای شان را پس گرفتند.

همزمان تجمع مشترک بازنشستگان کشوری، تامین اجتماعی، بهداشت و درمان، مخابرات و ... استان کرمانشاه مقابل سازمان برنامه و بودجه.

زنان در مسیر رهایی (دی ۱۴۰۴)

اسد طاهری

زنان هنوز از مراکز تصمیم‌گیری دور مانده‌اند



آژانس اروپایی برابری جنسیتی می‌گوید طبق شاخص سال ۲۰۲۵، با وجود پیشرفت‌های قابل توجه طی دهه گذشته، نابرابری در دسترسی به قدرت و تصمیم‌گیری همچنان بزرگ‌ترین مانع بر سر راه برابری جنسیتی در اتحادیه اروپاست.

امتیاز کشورهای عضو اتحادیه اروپا در «حوزه قدرت» که برابری میان زنان و مردان در مناصب تصمیم‌گیری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند، از ۸۰.۳ در سوئد تا ۱۲.۹ در مجارستان متغیر است.

شاخص برابری جنسیتی به اتحادیه اروپا و کشورهای عضو امتیازی بین صفر تا ۱۰۰ می‌دهد؛ امتیاز ۱۰۰ یعنی برابری کامل میان زنان و مردان.

طی ده سال گذشته، اسپانیا، ایرلند، فرانسه و ایتالیا پیشرفت چشمگیری در کاهش شکاف جنسیتی در موقعیت‌های تصمیم‌گیری داشته‌اند.

زنان در پارلمانها و دولت‌ها در اغلب سطوح، در بزرگ‌ترین شرکتها و همچنین در نهادهای اجتماعی عموماً در اقلیت هستند.

در سال ۲۰۲۴، به طور متوسط ۶۷ درصد اعضای پارلمانهای ملی در اتحادیه اروپا مرد و ۳۳ درصد زن بودند. سال گذشته در هیات‌مدیره بزرگ‌ترین شرکتهای بورسی نیز زنان نیمی کمتر از مردان حضور داشتند؛ تنها ۳۴ درصد اعضای هیات‌مدیره زن بودند، در حالی که مردان ۶۶ درصد را تشکیل می‌دادند. بر اساس این پژوهش، زنان برای دریافت بودجه انتخاباتی با دشواری روبه‌رو هستند و در روند انتخاب نامزدها نفوذ کمتری نسبت به مردان دارند.

در انتخابات پارلمان اروپا، ۱۰ کشور سهمیه جنسیتی برای فهرست نامزدها تعیین کردند و در اسپانیا، فرانسه و کرواسی تعداد نمایندگان زن به سقف سهمیه پیش‌بینی شده رسید.

همچنین کلیشه‌های جنسیتی، خشونت و تبعیض باعث می‌شود زنان کمتر وارد عرصه سیاسی شوند یا در آن بمانند؛ عاملی که نمایندگی دموکراتیک را تضعیف می‌کند.

در میان ۲۶۰۰ زن منتخب محلی که در ۳۱ کشور اروپایی مورد پرسش قرار گرفتند، نزدیک به یک‌سوم گفتند که در طول فعالیت سیاسی خود با خشونت مواجه شده‌اند.

در پاسخ به تأثیرات این خشونت‌ها، زنان منتخب محلی و منطقه‌ای پیامدهای گسترده‌ای را گزارش داده‌اند: احساس ناامنی (۴۱ درصد)، تأثیر منفی بر زندگی خصوصی (۳۰ درصد)، خودسانسوری در مسائل سیاسی (۲۱ درصد) و کناره‌گیری از عرصه عمومی (۱۲ درصد).

شهر ممنوعه برای زنان



در شهر هرات افزایش کرایه‌های تاکسی و خودداری بسیاری از رانندگان از سوار کردن زنان، رفت و آمد روزانه آنان را با مشکل جدی روبه‌رو کرده است. به گفته شماری از این زنان، رانندگان ترجیح می‌دهند که مردان را سوار کنند، زیرا سوار شدن یک زن امکان سوار کردن چند مرد و دریافت کرایه بیش‌تر را از بین می‌برد؛ وضعیتی که سبب شده زنان شاغل در سرمای زمستان ساعتها کنار جاده‌ها در انتظار بمانند و یا کرایه بیش‌تری پرداخت کنند.

فیروزه، خدمت‌کار در خانه‌های مردم است و برای تأمین هزینه‌های زندگی ناچار است هر روز به چند خانه در نقاط مختلف شهر رفت‌وآمد کند. او می‌گوید که پیش از ممنوعیت سه چرخه‌ها، رفت‌وآمد برایش ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر بود و می‌توانست با پرداخت کرایه‌ای اندک، به‌موقع به محل کار برسد. او می‌افزاید: «آن وقت با کرایه کم به محل کار می‌رسیدم. حالا نه تنها من؛ بلکه روزانه زنان زیادی می‌بینم که کنار جاده‌ها منتظرند و چاره‌ای جز پرداخت کرایه‌ی بالا ندارند».

فیروزه می‌افزاید که اکثراً زمستانها، فصل پرکار برای زنانی مانند اوست؛ زیرا بسیاری از خانواده‌ها به دلیل سردی هوا به کمک بیش‌تر در خانه نیاز دارند؛ اما به گفته او، امسال برخلاف زمستانهای گذشته، به دلیل ممنوعیت گشت و گذار سه چرخه‌ها، ناچار است به تماسهای بسیاری پاسخ منفی بدهد. «دل‌م می‌خواهد بروم؛ اما وقتی از توانم نیست، چه کنم؟ سه چرخه‌ها حتی به ده یا پنج افغانی هم مرا به مقصد می‌رساندند».

رخسار، خیاط و کارمند یکی از مارکتهای شهر هرات است. او نیز با مشکلات مشابهی روبه‌روست. او می‌گوید که فاصله خانه تا محل کارش زیاد نیست؛ اما نبود وسیله نقلیه ارزان و در دسترس، همین مسیر کوتاه را به چالشی روزانه تبدیل کرده است. «قبلاً سه چرخه‌ها بهترین وسیله بود، هم ارزان و هم همیشه پیدا می‌شد».

به گفته‌ی او، برخی رانندگان تاکسی به‌طور آشکار از سوار کردن زنان خودداری می‌کنند یا کرایه بیش‌تری مطالبه می‌کنند. اگر کرایه پیشنهادی را نپذیرند، تاکسی بدون هیچ توضیحی حرکت می‌کند. «فقط چون زن هستیم، یا باید بیش‌تر پول بدهیم یا اصلاً سوار نشویم. بارها خودم پرسان کردم برایم گفتند که مردان کرایه خوبی می‌دهند و ما هم ترجیح می‌دهیم که آنان را سوار کنیم».

صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان خلاف

قانون نیست



معاون حقوقی پزشکبان اعلام کرد که از نظر حقوقی، صدور گواهینامه موتورسیکلت برای زنان منعی ندارد و با مقررات فعلی امکان‌پذیر است، اما مشکلات اجرایی باید برطرف شود. مجید انصاری گفت بررسیهای حقوقی این معاونت نشان می‌دهد صدور گواهینامه رانندگی موتورسیکلت برای زنان خلاف قانون نیست و دستگاههای مسئول می‌توانند با تکیه بر مقررات موجود اقدام کنند. او افزود اگر مانعی در اجرا وجود دارد، نهادهای مربوط باید آن را حل کنند.

انصاری همچنین درباره سرنوشت لایحه حمایت از زنان در مجلس گفت از تغییرات اخیر این لایحه در کمیسیونها اطلاع دقیقی ندارد و این موضوع در حوزه کاری معاونت امور زنان و خانواده و معاونت امور مجلس ریاست‌جمهوری قرار دارد. به گفته او، دولت در نسخه اولیه این لایحه با عنوان «مبارزه با خشونت علیه زنان» رویکردی مبتنی بر نفی خشونت و پیشگیری از آن داشته است.

قتلهای ناموسی و مادرکشی در اسرائیل



بر اساس گزارش تازه «دیده‌بان زن‌کشی اسرائیل» که روز چهارشنبه ۳ دی منتشر شد، اگرچه تعداد کل زنان کشته شده در این کشور طی سال ۲۰۲۵ نسبت به سال گذشته تغییر چندانی نداشته، اما نرخ «زن‌کشی» یعنی کشتن به دلیل زن بودن افراد با افزایش شدیدی روبرو بوده است. موارد زن‌کشی شامل قتل توسط شریک زندگی یا اعضای خانواده، «قتلهای ناموسی» و مادرکشی است، اما مرگهای ناشی از تروریسم، تصادفات یا سهل‌انگاری را در بر نمی‌گیرد.

این گزارش نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۱ ژانویه تا ۲۴ دسامبر سال ۲۰۲۵ میلادی، ۴۴ زن بالای ۱۸ سال به قتل رسیده‌اند. از این تعداد، ۳۴ پرونده مصداق تعریف «زن‌کشی» بوده‌اند که نشان‌دهنده افزایش ۴۸ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۴ است؛ سالی که در آن ۲۳ مورد زن‌کشی ثبت شده بود. در این میان ۱۰ مورد مربوط به زنان عربی بوده است که نه به دلیل خشونت مبتنی بر جنسیت، بلکه در بستریهای جنایی و تبهکاری کشته شده‌اند.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۶

نویسندگان گزارش EIGE تاکید کردند: «کلیشه های جنسیتی به ویژه در حوزه قدرت اثرگذار هستند، زیرا برداشت عمومی را درباره این که چه کسی شایسته مناصب سیاسی یا اجتماعی است شکل می دهند.»

در بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مردان بیش از زنان با این گزاره موافقاند که «مردان در عرصه سیاست جاه طلب تر از زنان هستند.»

بیشترین شکاف جنسیتی در میان افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله دیده می شود: ۴۸ درصد مردان جوان با این گزاره موافقاند، در مقابل ۳۴ درصد زنان جوان.

در کل اتحادیه اروپا، ۱۷ درصد زنان و ۲۲ درصد مردان بر این باورند که زنان مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌های سیاسی را ندارند.

حمایت از این باور در اروپا بسیار متفاوت است: از ۴۹ درصد در مجارستان تا تنها ۲ درصد در هلند.

چهار زن در فهرست تاثیرگذارترین دانشمندان جهان در سال ۲۰۲۵



مجله معتبر «نیچر»، فهرست سالانه Nature's 10 برای سال ۲۰۲۵ را منتشر کرد. در فهرست این مجله چهار زن از نقاط مختلف جهان حضور دارند. سارا تبریزی، دانشمند ایرانی، از جمله زنانی است که در میان ۱۰ چهره اثر گذار علم جهان قرار دارد.

مجله نیچر تاکید کرده است که انتخاب امسال، دانشمندانی را که به دورترین نقاط کیهان و عمیق‌ترین اعماق اقیانوسها نگاه می کنند، و همچنین یک کارمند دولت را که در بحبوحه یک آشوب گسترده در ایالات متحده، از سیاستهای بهداشت عمومی مبتنی بر شواهد حمایت کرد، مورد تقدیر قرار می دهد. سارا تبریزی، دانشمند ایرانی، از جمله زنانی است که در میان ۱۰ چهره اثر گذار علم جهان قرار دارد. این انتخاب به دلیل نقش او در پیشبرد پژوهشهای نوین ژن درمانی بیماری هانتینگتون صورت گرفته است.

ماتسوسو، که فردی با تجربه در حوزه سلامت جهانی که از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ مدیر کل وزارت بهداشت آفریقای جنوبی را برعهده داشته و دو دهه گذشته نقشهای مختلف رهبری در سازمان جهانی بهداشت داشته است، از جمله دیگر زنان برگزیده مجله «نیچر» است.

سوزان مونارز رئیس «مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌های آمریکا» (CDC) از جمله دیگر برگزیدگان است که برای نزدیک به ۲۰ سال به‌عنوان یک دانشمند غیرحزبی در دولت فعالیت کرده بود، اما در کمتر از یک ماه پس از آغاز ریاست دونالد ترامپ، مونارز از سمت خود کنار گذاشته شد. او در یک

جلسه‌ی پرتنش کنگره در سپتامبر شهادت داد: «من به‌خاطر پایبندی به صداقت علمی برکنار شدم.»

یفات مربل دیگر زن برگزیده مجله است که هنگام بررسی مراکز بازیافت سلولی معروف به پروتازوم‌ها، بخش کاملاً جدیدی از سیستم ایمنی را کشف کرد و از طیف‌سنجی جرمی برای شناسایی پپتیدهای تولید شده توسط پروتازوم‌ها در انواع سلول‌ها استفاده کرد. سپس توالی این پپتیدها را با پپتیدهای دارای عملکرد شناخته‌شده در پایگاه‌های داده‌ی عمومی مقایسه کردند. بسیاری از آن‌ها با پپتیدهایی که باکتری‌ها را نابود می‌کنند، مانند سوراخ‌کردن غشا هایشان، مطابقت داشتند.

بازداشت یک زن در هرات به خاطر آموزش مخفیانه تکواندو به دختران



بر اساس گزارش رسانه «رخشانه»، به نقل از نزدیکان خدیجه احمدزاده ۲۲ساله، او در حالی که در محوطه پارکینگ یک خانه مسکونی در شهر هرات مشغول برگزاری تمرین تکواندو بود، بازداشت شد.

منبع به رسانه رخشانه گفته است: «نمی دانستیم او را کجا بردند. پس از جست و جوی طولانی فهمیدیم که به زندان منتقل شده است.»

به گفته این منبع، پدر احمدزاده و صاحب خانه ای که تمرین‌ها در آن برگزار می شد نیز بازداشت شده و هر سه در زندان مرکزی هرات منتقل شدند.

بر اساس این گزارش، او این فضای آموزشی غیررسمی را راه‌اندازی کرده بود تا دختران را در افغانستان ممنوع کرده محدودیتهای سخت‌گیرانه طالبان بر فعالیتهای زنان، به ورزش ادامه دهند.

گفتنی است که دولت طالبان آموزش، کار، ورزش و سفر بدون محرم (مرد همراه) زنان و دختران را در افغانستان ممنوع کرده است. محدودیت شدید پوششی نیز بر زنان و دختران در این کشور وضع شده است.

اعتراض جدید زنان؛ روشن کردن سیگار با آتش عکس خامنه‌ای

شیوه های منحصر به فرد زنان ایران در مبارزات شان با حکومت از بریدن مو و سوزاندن روسری فراتر رفته است؛ این بار با لپهای خونین به خیابان می آیند، مقابل ماموران سرکوب حرکات ژیمناستیک انجام می دهند و با آتش عکس خامنه‌ای سیگارشان را روشن می‌کنند.

امید سرلک، مرد جوان ساکن الیگودرز در غرب ایران، در آبان ۱۴۰۴ (نوامبر ۲۰۲۵ میلادی)، ویدئویی از خود در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد که او را در حال آتش زدن عکس علی خامنه‌ای، نشان می‌داد. تنها ساعاتی پس از انتشار این تصاویر، جسد او در حالی که به ضرب گلوله کشته شده بود، در خودروی شخصی اش پیدا شد.



صمد پورشه، زندانی سیاسی پیشین، در همان ماه در اعتراض به کشته شدن «امید سرلک» اقدام مشابهی انجام داد و بار دیگر عکس علی خامنه‌ای را سوزاند. تنها ساعاتی پس از انتشار ویدئوی او، ماموران امنیتی به خانه‌اش در شهر یاسوج واقع در غرب ایران حمله کردند. او در خانه نبود و دستگیر نشد؛ اما از همان زمان به صورت مخفی زندگی می‌کند.

پیش تر نیز قاسم بهرامی، شاعر منتقد ایرانی، در شهریور ۱۴۰۰ به دلیل به آتش کشاندن عکس علی خامنه‌ای، از سوی ماموران حکومتی شهر مشهد، محل سکونتش دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شد. برای مدت دو ماه کسی از سرنوشت او اطلاعی نداشت.

با این وجود به نظر می‌رسد واکنش خشن نیروهای امنیتی ایران به این شکل از اعتراض، نه تنها خللی در عزم زنان ایران در اعتراضاتشان ایجاد نکرده بلکه مبارزاتشان را رادیکال‌تر کرده است.

زیرا در روزهای اخیر و همزمان با دور جدید اعتراضات سراسری در ایران که از ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵ (۷ دی ۱۴۰۴) با خشم مردم نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشتی آغاز شد، تصاویر زنان جوانی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نه تنها عکس رهبر جمهوری اسلامی را می‌سوزانند، بلکه با آتش آن، سیگارشان را روشن می‌کنند.

در واقع زنان در این ابتکار، سوزاندن تصویر رهبر جمهوری اسلامی را با عمل سیگار کشیدن ترکیب کرده‌اند؛ فعالیتی که مدت‌هاست برای زنان در جامعه ایران، محدود یا منع شده است. به نظر می‌رسد معترضان خواسته‌اند با این کار، هم اقتدار سیاسی و مذهبی حکومت، و هم قوانین سختگیرانه اجتماعی علیه زنان (نگاه جنسیتی به سیگار کشیدن) را رد کنند.

(منابع استفاده شده برای این مجموعه: ایلنا، یورونیوز، بی‌بی‌سی، خبرگزاری بانوان افغانستان، خبرگزاری ژن‌ها (JINHA)، العربیه)



دانشگاه در ماهی که گذشت (دی ۱۴۰۴)

کامران عالمی نژاد

این شهر با شلیک مستقیم گلوله جنگی از سوی نیروهای سرکوبگر به قتل رسید.

۱۱- احمدرضا قادری: دانشجوی ورودی ۹۹، رشته مهندسی ساخت و تولید دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در جریان اعتراضها مردمی این شهر به قتل رسید.

۱۲- امیرعلی زارعی: دانشجوی دانشگاه هنر، متولد سال ۱۳۶۹ و شهروند محله مجیدیه تهران در جریان خیزش انقلابی در تهران به قتل رسید.

۱۳- علیرضا رفیعی‌راد: متولد سال ۱۳۸۴ و دانشجوی رشته الکترونیک، روز شنبه ۲۰ دی ۱۴۰۴، در محله نازی آباد تهران هدف شلیک گلوله جنگی قرار گرفت و به قتل رسید.

۱۴- علی بهروز: شهروند تهران، ۲۵ ساله، دانش آموز و ورودی ۱۳۹۸ رشته آبیاری از دانشگاه تهران و پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در منطقه هفت حوض تهران بر اثر شلیک مستقیم گلوله های مأموران جمهوری اسلامی مجروح شد و در نهایت در ۱۹ دی ماه به دلیل شدت جراحات وارده به قتل رسید. جاوید نام علی بهروز دوست بر روی بازوی خود جمله «برای آنان که دوستان دارم، از جان خویش می‌گذرم» را به انگلیسی تلو کرده بود.

۱۵- زهرا محمودپور: دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر، شهروند اصفهان، روز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در شهر نجف‌آباد اصفهان بر اثر شلیک مستقیم گلوله به صورت توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و به قتل رسید.

۱۶- مصطفی سرافراز اردکانی: دانشجوی رشته مهندسی مکانیک دانشگاه یزد (ورودی ۱۴۰۱)، در جریان خیزش انقلابی، با شلیک مستقیم گلوله نیروهای سرکوبگر و به قتل رسید. وی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴، در میان دانشجویان برگزیده رشته مهندسی مکانیک دانشگاه یزد، به عنوان یکی از رتبه‌های برتر معرفی شده است.

۱۷- دانیال دیانی: دانشجوی ۲۴ ساله رشته حقوق دانشگاه رازی کرمانشاه، شهروند کرمان، روز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، توسط مزدوران خامنه‌ای، در کرمان به قتل رسید.

۱۸- سینا کاظمی: دانشجوی رشته نرم افزار، روز جمعه ۱۹ دی ۱۴۰۴، در تهران به دست نیروهای سرکوبگر و به قتل رسید.

۱۹- محمدرضا مرادعلی: دانشجوی توانمند دانشکده الهیات دانشگاه تهران، توسط مزدوران جمهوری اسلامی به قتل رسید. وی پیش از این در مقطع کارشناسی، دانشجوی رشته کامپیوتر در دانشگاه صنعتی شریف بود و سپس تحصیل خود در رشته الهیات را ادامه داد.

۲۰- محمد (میلااد) غلامی: دانشجوی ۳۵ ساله رشته کامپیوتر، روز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در تهران با شلیک گلوله جنگی توسط نیروهای سرکوبگر به قتل رسید.

۲۱- الینا حجتی: ۲۳ ساله و دانشجوی سال آخر رشته میکروبیولوژی، در تهران هدف اصابت گلوله جنگی قرار گرفت و به قتل رسید.

بقیه در صفحه ۱۹

۱۴۰۴، پس از خروج از دانشکده و پیوستن به اعتراضها مردمی، با شلیک گلوله مأموران حکومتی به قتل رسید.

۲- دانیال مصطفوی: دانشجوی ۱۹ ساله، روز جمعه ۱۹ دی ۱۴۰۴، به همراه بیژن مصطفوی (پدر)، زهرا بنی‌امریان (مادر) در کرج هدف تیراندازی مستقیم نیروهای حکومتی قرار گرفتند و هر سه نفر به قتل رسیدند.

۳- احمد خسروانی: بسکتبالیست ۲۱ ساله، عضو تیم بسکتبال سه نفره «فرزان شمیران» و دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف، پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در جریان اعتراضها سراسری با شلیک مستقیم نیروهای حکومتی به قتل رسید.

۴- پارسا صفار: شنبه ۲۰ دی ۱۴۰۴، در اعتراضها «مشهد» با شلیک گلوله جنگی سرکوبگران جمهوری اسلامی کشته شد. پارسا دانش آموز آموخته استعدادهای درخشان و دانشجوی ترم ۵ رشته پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود.

۵- آریانا ارجمندی: ۲۳ ساله و دانشجوی روان شناسی، پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در اعتراضها بروجرد با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر به قتل رسید.

۶- علی روزبهانی: متولد سال ۱۳۷۵، مهندس معمار و از استعدادهای درخشان ریاضی، شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در تهرانپارس با شلیک مستقیم گلوله توسط نیروهای جمهوری اسلامی به قتل رسید.



فوری آیدا حیدری، دانشجوی ترم اول دانشگاه علوم پزشکی تهران، بر اثر سرکوب حکومتی جان باخت

۷- یاسین میرزایی قلعه‌زنجیری: دانشجوی شاغل به تحصیل در ایتالیا، در جریان خیزش توده‌ای روز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در محله «دره درپژه» کرمانشاه با شلیک مستقیم گلوله توسط نیروهای جمهوری اسلامی به ناحیه سر به قتل رسید.

۸- سورنا گلگون: دانشجوی ترم اول مهندسی مکانیک، ۱۸ ساله و ساکن شهر شهسوار (تنکابن) در استان مازندران، روز جمعه ۱۹ دی ۱۴۰۴، هدف گلوله مأموران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قرار گرفت و بر اثر اصابت گلوله به ناحیه قلب به قتل رسید.

۹- آیدا حیدری: دانشجوی ۲۱ ساله و ورودی سال ۱۴۰۱ دانشگاه علوم پزشکی تهران، شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در جریان گسترش جنبش انقلابی، با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر حکومتی در میدان صادقیه تهران به قتل رسید.

۱۰- مبینا بهشتی: دانشجوی ۲۱ ساله و شهروند گرگان، شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در جریان اعتراضها مردمی

قتل عام شهروندان، جنایت علیه بشریت

دیماه ۱۴۰۴، همانند ماههای پیش با اعتراضها کم و بیش صنفی افسار گوناگون شامل کارگران، بازنشستگان، فرهنگیان، دانشجویان و ... آغاز گشت.

هفتم دیماه، کسبه بازار بزرگ تهران و چند مجتمع مجاور آن به افزایش شدید نرخ ارز و به همان نسبت، سقوط ارزش پول ملی اعتراض کردند و نگرانی و به ناپودی کشیده شدن زندگی خود و خانواده شان را با تجمع و اعتصاب، فریاد زدند. این اعتراضها به مانند دمیدن بر خاکستر داغ، به سرعت به دورترین و کوچکترین شهرها و روستاهای کشور زبانه کشید و تنها طی چند روز نخست، دهها شهر و استان را با خود همگام کرد.

روز سه شنبه ۹ دی، دانشجویان دانشگاههای تهران، بهشتی، شریف، علامه طباطبایی، خواجه نصیرالدین طوسی، علم و صنعت و امیرکبیر و ... با فراخوان و تجمعهای گسترده از اعتراضها مردم پشتیبانی کرده و خواهان پیوستن دانشجویان به مردم شدند.

اعتراضها هر روز بیشتر و گسترده تر می شد، رژیم به ناچار و برای جلوگیری از سقوط، با حکم خامنه‌ای، در روز پنجشنبه ۱۸ دی، با قطع کامل اینترنت، ارتباطات موبایلی و حتی تماسهای منازل، کشتار بربرمنشانه‌ای را رقم زد. هزاران تن در روزهای پنجشنبه و جمعه با گلوله های جنگی به شهادت رسیدند و دهها هزار تن مجروح و تعداد بی شماری دستگیر شدند.

به دلیل قطع اینترنت کماکان، شمار دقیقی از کشته شدگان، مجروحان و دستگیر شدگان در دست نیست، اما تصاویر و گزارشهای میدانی از جنایاتی علیه بشریت خبر می دهند. در این میان تعداد دانشجویان به قتل رسیده، با توجه به مشارکت آنها در اعتراضهای سراسری قابل توجه است.



رژیم ولایت فقیه بار دیگر با استفاده از سرب داغ، باتون و دستگیریهای فله‌ای، مردم را به خانه های خود بازگرداند؛ اما بی‌تردید این سکوت، آرامش قبل از طوفانی شدیدتر از دیماه ۱۴۰۴ را وعده می دهد.

دانشجویان شهید؛ جاوید نامان انقلاب

اسامی برخی دانشجویان که در جنبش انقلابی دی ماه ۱۴۰۴ به وسیله مزدوران جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. این اسامی همراه با عکسهای شان جداگانه منتشر خواهد شد.

۱- روبینا امینیان: دانشجوی ۲۳ ساله رشته طراحی پارچه و لباس در دانشکده فنی و حرفه‌ای دختران شریعتی در منطقه خانی آباد نو تهران. جاوید نام روبینا شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۸



اعتصاب پزشکان و اساتید دانشگاه علوم پزشکی

ایران شهر

به گزارش حال وش، روز سه‌شنبه ۲ دی‌ماه ۱۴۰۴، منابع محلی از اعتصاب دو روزه شماری از پزشکان و اساتید دانشگاه علوم پزشکی ایران شهر خبر می‌دهند؛ اعتراضی که در پی تداوم مشکلات مالی و بی‌پاسخ ماندن مطالبات شکل گرفته و موجب اختلال جدی در ارائه خدمات درمانی و روند آموزش پزشکی در این منطقه شده است.

اعتراض دانشجویان مجتمع خوابگاهی نخل



روز چهارشنبه ۳ دی ۱۴۰۴، تعدادی از دانشجویان مجتمع خوابگاهی نخل دانشگاه چمران اهواز در اعتراض به وضعیت تغذیه دانشجویان دست به اعتراض زدند.

دومین شب دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی

بهشتی

دانشجویان معترض نه بهداشت غذا و نه وضعیت سرو تغذیه را لایق شان خود نمی‌دانند و در روز پنجشنبه ۴ دی ۱۴۰۴، برای دومین شب متوالی، نسبت به این بی‌حقوقی اعتراض کردند.

بقیه در صفحه ۲۰



شهر لیک مرکز شهرستان بهمئی در استان کهگیلویه و بویراحمد به خاک سپرده شد.

۳۲- زهرا (رها) بهلولی‌پور: ۱۸ ساله، دانشجوی مقطع کارشناسی زبان ایتالیایی دانشگاه تهران، ورودی ۱۴۰۳، در تاریخ پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در خیابان فاطمی تهران به قتل رسید.

۳۳- خالد ملایی: دانشجوی شهروند لارستان از توابع استان فارس، شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، با شلیک مستقیم نیروهای جمهوری اسلامی به قتل رسید.

۳۴- علی زنگنه: جوان معترض ۲۴ ساله ایرانی و دانشجوی رشته مهندسی برق که در جریان اعتراضها پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در شهر مشهد با شلیک مستقیم مزدوران خامنه‌ای به قتل رسید.

۳۵- یاسر مجیدی: دانشجوی سال دوم رشته شیمی، ۲۱ ساله، شهروند ملایر، در روز پنجشنبه ۱۸ دی در شهر اراک، هنگامی که برای نجات یک دختر اقدام می‌کرد، با اصابت گلوله به دست نیروهای سرکوب به قتل رسید.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران

روز دوشنبه ۱ دی ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه تهران مطابق با فراخوان قبلی برای چندمین مرتبه تجمعی در اعتراض به لغو اسکان دانشجویان ترم شش کارشناسی ارشد و ترم دهم کارشناسی و دکتری، برگزار کردند. در این تجمع دانشجویان بیانیه‌ای قرائت کردند که در زیر بخشهایی از آن را می‌خوانید: «... ما امروز گرد هم آمده‌ایم تا اعلام کنیم مقاومت دانشگاه در برابر سالها تداوم سازوکارهای اعمال خشونت، سرکوب و کلاهی سازی آموزش هنوز زنده است و نفس می‌کشد... ما اینجا ایستاده‌ایم تا اعلام کنیم ریشه تمام این دردها یکی است و ما انسانهای دردمندی هستیم که می‌توانیم علیه آن فریاد بکشیم. فریادی که بیانگر تقلاهی برای باز یافتن زبان مشترکی است که ذیل آن به همدردی و همراهی در منافع مشترکمان بپردازیم...»

حکم اعدام برای شهناز طبری

شهناز طبری، شهروند ۶۷ ساله، فعال سیاسی و فارغ‌التحصیل دانشگاه صنعتی اصفهان، روز سه‌شنبه ۲ دی ۱۴۰۴، به دلیل نوشتن و انتشار یک متن در نقد سیاستهای جنگ افروزانه حکومت، با اتهامات واهی از جمله "بغی" به حکم اعدام محکوم شده است. او بیش از ۹ ماه است که در زندان لاکان رشت در بازداشت به سر می‌برد.

۲۲- محمد جعفرپور: دانشجوی ورودی ۱۴۰۲ مقطع کارشناسی ارشد مهندسی کامپیوتر (گرایش نرم‌افزار) دانشگاه علم و صنعت ایران، روز شنبه ۲۰ دی ۱۴۰۴، در خمینی شهر اصفهان با شلیک گلوله جنگی به قتل رسید.

۲۳- امیرحسین (شایان) شکاری: دانشجوی ۲۱ ساله رشته تربیت بدنی و تکواندوکار، وی عضو پیشین تیم ملی تکواندو نوجوانان ایران و از استعدادهای شاخص این رشته به‌شمار می‌رفت و مدال نقره جام باشگاههای آسیا را در کارنامه ورزشی خود داشت. امیرحسین شکاری در جریان سرکوب اعتراضها، به دست نیروهای جمهوری اسلامی به قتل رسید.

۲۴- محمدمهدی سالاری: دانشجوی ورودی ۱۴۰۱، رشته مهندسی برق دانشگاه فردوسی مشهد، شامگاه پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، حوالی ساعت ۲۱، بر اثر شلیک مستقیم گلوله توسط نیروهای رژیم به قتل رسید.

۲۵- نسترن عبدالهی: دانشجوی ۲۱ ساله دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیشه تهران، در جریان اعتراضها جمعه شب ۱۹ دی ۱۴۰۴، دچار جراحتهای شدید شد و حدود ساعت ۲۰ در حالی که از ناحیه سر مجروح بوده و خونریزی داشت، به بیمارستان نور اندیشه منتقل می‌شود. این دانشجو در بیمارستان مفقود و از دسترس خانواده خارج می‌گردد و سپس فوت او به خانواده اطلاع داده شد.

۲۶- امیرپارسا اشکبوس: دانشجوی ورودی ۱۴۰۲ رشته میکروبیولوژی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، روز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در جریان خیزش انقلابی، در منطقه هفت حوض تهران از ناحیه گردن و از پشت مورد شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر قرار گرفت و به قتل رسید.

۲۷- امیرعلی باستانی: دانشجوی ۲۳ ساله و ترم هفتم رشته زیست شناسی دانشگاه پیام‌نور مشهد، روز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، در محدوده میدان ۷ تیر مشهد بر اثر تیراندازی مأموران حکومتی به قتل رسید. گزارشها حاکی است آثار اصابت از پشت در ناحیه گلو، کتف و بازو مشاهده شده است.

۲۸- مهرداد یعقوبی‌مهر: ۲۸ ساله، دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی شیمی و پذیرفته شده مقطع دکتری دانشگاه صنعتی شریف، شهروند دورود لرستان و ساکن تهران، در جریان اعتراضها دی ۱۴۰۴، در استان تهران به قتل رسید.

۲۹- آریا حیدری دهکردی: متولد سال ۱۳۸۳، دانشجوی ترم ششم رشته پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، در جریان خیزش انقلابی روز جمعه ۱۹ دی ۱۴۰۴، در اصفهان به قتل رسید.

۳۰- فائزه حسین‌نژاد: دانشجوی ۲۳ ساله رشته پزشکی ساکن مشهد، روز جمعه ۱۹ دی ماه در مشهد به دست سرکوبگران جمهوری اسلامی به قتل رسید. بر اساس گزارشها، سرکوبگران پس از شلیک به وی، با باتوم به او حمله ور می‌شوند. فائزه به دلیل خونریزی شدید در درمانگاه درگذشت.

۳۱- حبیب خوبی‌پور: دانشجوی دکتری و نخبه ریاضی، پس از چند روز بستری شدن بر اثر جراحات ناشی از شلیک گلوله، در تاریخ ۲۴ دی ۱۴۰۴، جان خود را از دست داد و در

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۱۹

تجمع دانشجویان دانشگاه تبریز

روز پنجشنبه ۴ دی ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دختر دانشگاه تبریز با برگزاری تجمعی اعتراضی، خواستار رسیدگی مسئولان به معضل حضور سگهای ولگرد در محوطه دانشگاه و خوابگاهها شدند. شرکت کنندگان در این تجمع با سردادن شعارهایی، بر ضرورت پاسخگویی مسئولان و اتخاذ تدابیر عملی برای تأمین امنیت دانشجویان تأکید کردند. دانشجویان گفتند که این تجمع اعتراضی با وجود هشدارها و تماسهای حراست دانشگاه تبریز با خانواده برخی دانشجویان برگزار شده است.

در پایان این تجمع، معاونت امور دانشجویان دانشگاه تبریز به همراه شماری از مسئولان، وعده دادند موضوع ساماندهی سگهای ولگرد را تا هفته آینده پیگیری کنند.

پیام و فراخوان عمومی دانشگاهها

روز دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴، تشکل دانشجویان پیشرو در فراخوانی دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاههای سراسر کشور را به همراهی با اعتراضها و اعتصابها سراسری با مردم دعوت کرد.

در بخشهایی از این فراخوان آمده: «با پرچم انقلاب "زن زندگی آزادی" به سوی اعتراضها و اعتصابها سراسری می‌رویم... درحالی که روز به روز شاهد از بین رفتن معیشت، تحصیل، کار و آینده‌مان هستیم؛ با اعتراض گسترده مردم در ۴۸ ساعت گذشته، دوباره مسیر خروج از این گنداب باز شده... طی ماههای گذشته، حکومت تمام توانش را بر بازسازی قوای نظامی و سرکوب خود گذاشته، بیشتر اعدام کرده تا نگران معیشت ما باشد. زندگی ما مردم و دانشجویان بیش از پیش بازیچه خیال‌پردازی شکست خوردگانی شده که حالا برای تقسیم قدرت به جنگ با یکدیگر نیز مشغول هستند.

...ما دانشجویان این وضعیت را تحمل نمی‌کنیم و آینده‌ای که اینان بسازند را هزاران برابر بدتر از جهنم کنونی می‌دانیم. ما بر این باور هستیم که پرچم پرشکوه انقلاب "زن زندگی آزادی" که ما مردم ایران را متحد کرده، قطب نمای ما برای خروج از فقر و فلاکت و تیره‌روزی است.»

اعتراض دانشجویان در کوی دانشگاه تهران

دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران، دوشنبه شب ۸ دی ۱۴۰۴، دست به اعتراض زدند و شعارهایی چون «رود بر دانشگاه. نه پادگان نه نگاه» و «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد» و «بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم» سر دادند.

هم‌زمان با دور تازه اعتراضها و گسترش آن در شهرهای گوناگون کشور، جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های تهران، بهشتی، خواجه‌نصیر و صنعتی امیرکبیر با انتشار بیانیه‌ها و فراخوان‌هایی جداگانه، از برگزاری تجمعی اعتراضی دانشجویی در روز سه‌شنبه خبر دادند.

اعتراضهای دانشجویی دانشگاه‌های تهران

ظهر روز سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴، دانشجویان در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، شریف، علامه طباطبایی،

خواجه‌نصیرالدین طوسی، علم و فرهنگ، علم و صنعت و امیرکبیر، به‌صورت هماهنگ و در ادامه‌ی فراخوان‌های منتشرشده در شب قبل، دست به تظاهرات و اعتراض زدند. شعاری از جمله «زن، زندگی، آزادی»، «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!»، «دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد» و «بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم» از شعارهای مطرح‌شده در این تجمعی‌های بود.

در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی، بسیجیان به دانشجویان حمله و تلاش کردند اعتراضها را برهم بزنند. در دانشگاه تهران نیز گزارش‌هایی از بسته‌شدن دربها، ورود نیروهای لباس‌شخصی برای سرکوب و زندانی کردن دانشجویان در داخل پردیس مرکزی دانشگاه واقع در میدان انقلاب منتشر شده است.

فراخوان فوری دانشجویان دانشگاه تهران

فراخوان فوری دانشجویان دانشگاه تهران

جان و امنیت دانشجویان معترض دانشگاه

تهران در خطر است... نیروهای سرکوب اطراف دانشگاه تهران مستقر شدن و تهدید و حمله میکنند. نیروهای لباس شخصی هم در قالب دانشجوی بسیجی وارد دانشگاه شدند و در حال سرکوب و جاسوسی هستند. ما دانشجویان از مردم دعوت می‌کنیم به خیابان‌های اطراف دانشگاه بیایند تا حلقه سرکوب را بشکنیم. حکومت فردا را هم تعطیل اعلام کرده تا تداوم اعتراضات را بشکند. باید اعتراضات را گسترده کنیم و تا شب ادامه بدیم.



روز سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه تهران در فراخوانی فوری خواهان حمایت از مردم شدند. در این فراخوان آمده: «جان و امنیت دانشجویان معترض دانشگاه تهران در خطر است... نیروهای سرکوب اطراف دانشگاه تهران مستقر شدن و تهدید و حمله میکنند. نیروهای لباس شخصی هم در قالب دانشجوی بسیجی وارد دانشگاه شدند و در حال سرکوب و جاسوسی هستند.

ما دانشجویان از مردم دعوت می‌کنیم به خیابانهای اطراف دانشگاه بیایند تا حلقه سرکوب را بشکنیم. حکومت فردا را هم تعطیل اعلام کرده تا تداوم اعتراضات را بشکند. باید اعتراضات را گسترده کنیم و تا شب ادامه بدیم.»

بیانیه حمایتی کمیته سراسری دانشجویان کوردستان



روز چهارشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۴، کمیته سراسری دانشجویان کوردستان حمایت خود نسبت به اعتراضات سراسری را در بیانیه‌ای اعلام کرد، در بخشهایی از این بیانیه آمده:

«...بنابراین در این لحظه سرنوشت‌ساز و تاریخی‌ای که ملل تحت ستم در آن قرار گرفت‌اند، بهتر است که تمام مخالفان و مردم به‌سودآمده ایران دست به دست هم بدهند و با اتحاد و همدلی از شر این حکومت ضدبشری خلاص شوند. بنابراین مخالفان واقعی و اصیل این نظام باید با گام‌های جدی و آگاهانه خود از انحراف این اعتراضها جلوگیری کنند و با آگاهی مانع سوءاستفاده جریان‌ی‌باشند که سابقه تاریخی از جنایت و سرکوب مردم ایران در قبل از رژیم آخوندها را در کارنامه خود دارد...»

بیانیه مشترک فعالان دانشجویی چند دانشگاه

روز جمعه ۱۲ دی ۱۴۰۴، فعالان دانشجویی دانشگاه‌های تهران، بهشتی، علامه، علم و صنعت و تربیت مدرس در همراهی با اعتراضات سراسری بیانیه‌ای صادر کردند. در زیر بخشهایی از آن را می‌خوانیم: «سالهاست حاکمان از دانشگاه هراسیده‌اند و با سرکوب و فرسودگی به جانش افتاده‌اند. امروز نیز بحرانها روی هم انباشته شده‌اند: فقر، نابرابری، ستم طبقاتی، ستم جنسیتی، فشار بر ملت‌ها، بحران آب و محیط‌زیست. همه محصول مستقیم سیستمی فاسد و فرسوده است...»

سیاست حاکمیت در قبال دانشگاه هم از این الگوی سرکوب تبعیت می‌کند؛ تپی کردن آن از هر عنصر سیاسی و نقادانه‌ای و بدل کردن دانشگاه به میدانی اخته که جولانگاه مزدوران شبه‌نظامی بسیجی شده‌است...

...با این همه، دانشگاه بار دیگر خاطرنشان کرد که در برابر استبداد ایستاده و در تاریخ‌ترین بزنگاه‌های تاریخ، چه در پهلوی و چه در ولایت اسلامی، از آزمون آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی سربلند بیرون آمده‌است...

مردم ایران! امروز همه ما در «نه» به جمهوری اسلامی باید متفق‌القول باشیم. هیچ‌کس از فرادی نیامده خبر ندارد و هیچ نیروی تک‌نفره‌ای هم سرنوشت ما را رقم نخواهد زد. اما یک‌چیز مسلم است؛ وقت حرکت است، هنگام عمل است. باید به پا خیزیم و سرنوشتمان را به دست خویش بنویسیم.»

تجمع و شاعردهی شبانه دانشجویان دانشگاه علامه

پنجشنبه شب ۱۱ دی ۱۴۰۴، دانشجویان خوابگاه سلامت دانشگاه علامه و خوابگاه پسرانه این دانشگاه همچنین دانشجویان خوابگاه دانشگاه صنعتی شاهرود در تجمعی اعتراضی شعارهای، «دانشجو داد بزن، حق تو فریاد بزن» و «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند.

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه

روز سه‌شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه در همراهی با مردم بپا خواسته کشور بیانیه‌ای صادر کردند. در زیر بخشهایی از آن را می‌خوانیم: «...ما جوانان دانشجویی دانشگاه علامه، دوشادوش مردم شجاعمان ایستاده‌ایم تا بنیان نظام تبعیض را از بن برکنیم. اکنون که شاهد قیام مردم در نقاط گوناگون ایران هستیم، وظیفه خود می‌دانیم که ضمن حفظ وحدت و تحکیم مواضع براندازانه خود، با تمام نیروهای سیاسی صرفاً برانداز، ائتلافی گسترده برای عبور از جمهوری اسلامی ایجاد کرده و این لحظه را بدل به انقلاب سازیم...»

دانشگاه در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۲۱

زبان نظم و قانون توجیه می گردد، سکوت دیگر یک انتخاب بی طرفانه نیست. ما، دانشجویان دانشکده هنر سمنان، در برابر شرایطی که کرامت انسانی و حق بیان پیوسته نادیده گرفته می شود، تصمیم گرفته ایم کنار جامعه بایستیم و بی صدا عبور نکنیم. «...همچنین در اعتراض به شرایط، از شرکت در امتحانات خودداری خواهیم کرد و این اقدام را به عنوان کنشی آگاهانه و اعتراضی نسبت و وضعیت موجود اعلام می داریم...»

فراخوان دانشجویان آزادیخواه برای حضور در خیابان

روز سه شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان مبارز و آزادیخواه دانشگاههای تهران در فراخوانی از عموم دانشجویان و مردم برای حضور در اعتراضها در خیابانهای کشور دعوت بعمل آوردند. در بخشهایی از این فراخوان آمده: «گروگان گیری معیشت و گرانیهای افسارگسیخته مردم ایران را به این نتیجه رساند که برای احقاق حق شان بار دیگر صدایشان را بلند و وضعیت موجود را به پرسش بکشند و تغییر را مطالبه کنند. اما پاسخ حکومت به این اعتراضها، به سیاق گذشته بود: کشتار و بازداشت و ارباب و برخورد فیزیکی... دانشجویان تهران از عموم مردم و دانشجویان دعوت می کنیم تا با حضور در خیابانها، صدای درگولمانده خود را فریاد بکشند و امید داریم عموم مردم تحت ستم با پذیرش این فراخوان در خیابان ها و مکان های مشخص شده در تهران حضور یابند و مردم سایر شهرهای ایران نیز با حضور خود در خیابان ها به این قیام سراسری بیوندند...»

بیانیه تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه شیراز

بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه شیراز: بیان استادی در سکر دانشگاه

خطاب به ملت شریف ایران و جامعه دانشگاهی

ما دانشجویان دانشگاه شیراز، با قلبی مالامال از شوق و اراده اعلام می کنیم که حرکات خواروار و سرکوب کننده دانشجویان در روزهای گذشته به خصوص در ۱۵ دی، فعلی جدید از ملامت ما را رقم زده است. آنچه در صحن دانشگاه در میان دود و آتش گاز اشک آور و دود گشت، به یک غیبتی، بلکه حرفه ای بی استیغاب نهی بود. ما استفاده از گاز اشک آور، اسیر نظر و خرسوب و خشونت دانشجویان را به شدت مذموم می کنیم. سوزان دانشگاه که امروزه در روزهای سرگرم و فرودمان پس می آید به جرم دانشگاه دانشکده سمنان این جرات مستهزانه را به ما روا داشته و افرادی را که در کشاکش، بازداشت و از دانشجویان طلب داشته، ناشناس کرده و هرگز به بی حاشیه و بی احترامی می کنیم.

مخوابگاه سکر دانشگاه

اعتقاد ما به شایسته و همسرگرا شدن در فرهنگ ماست از تمامی دانشجویان ایرانی می خواهیم که قدر کار یکدیگر را بداند و تحت هیچ شرایطی حرکات را تحلیله نکنند. بدین جهت دانشگاه با تهدید به تحلیله نقد دارد ما را برانگیزد و مداریان را خفه کند. ما اعلام می کنیم که حرکات خواروار و سرکوب کننده ما را سکر داشته تا آخرین عمر می مانیم و اذعان می دهیم این فضا از حضور دانشجویان بی شرف است.

ما در خوابگاه سکر دانشگاه

ما از آخر در کنار مردم ایران می مانیم. اعتراض ما به هر اصلاح، بلکه برای عبور کامل از این ساختار استبدادی است. نهاد بسطیم که با پایان این رژیم و رسیدن به فروپاشی و سرنگونی حاکمیت طلب از پای نشینیم. دانشگاه شیراز را روز آزادی بخشنی از یکدیگر. اقدامات سرکوبی مردم عارف بود.

ما از تمامی دانشجویان و دانشجویی که می خواهیم که در این نبرد درازمدت و طولانی هم بایستند و قدرت ما در تکثیر شدن و سازمان یافتن و پاسخ به دفاعات استبداد و خواروار، تنها یک کلام با حکومت فساد است: زنده داریم!

نقد: یکتا - نقد: قلم به جمهوری اسلامی.

جمعی از دانشجویان دانشگاه شیراز

دی ۱۴۰۴

دانشگاه و در میان دود و آتش گاز اشک آور و باتوم گذشت، نه یک عقب نشینی، بلکه جرقه ای برای ایستادگی نهایی بود... ما تا آخر در کنار مردم ایران می مانیم. اعتراضها ما نه برای اصلاح، بلکه برای عبور کامل از این ساختار استبدادی است. عهد بسته ایم که تا پایان این رژیم و رسیدن به فروپاشی و سرنگونی حاکمیت ظلم، از پای نشینیم. دانشگاه شیراز تا روز آزادی، بخشی از پیکره ای اعتراضها سراسری مردم خواهد بود...»

بیانیه و فراخوان دانشجویان دانشگاههای آزاد سراسر کشور

روز چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴، دانشجویان دانشگاه های آزاد سراسر کشور بیانیه و فراخوان اعتصاب و اعتراض صادر کردند. در زیر بخشهایی از آن را می خوانید: «امروز ۱۱ روز از آغاز موج تازه ای اعتصابها و اعتراضها به حق مردمان می گذرد؛ موجی که بی صبرانه منتظرش بودیم و برای برپایی اش، قدم قدم، نفر به نفر، ذره ذره، سال به سال، روز به روز، لحظه به لحظه، زحمت کشیدیم و خون دل خوردیم و مبارزه کردیم.

...ما جمعی از دانشجویان و دانش آموزان دانشگاه آزاد تهران شمال بدین وسیله اعلام می کنیم ضمن اعتصاب و حضور یافتن در دانشگاه، همچنان تا پای جان کنار مردمان ایستاده ایم و دوشادوش یکدیگر برای تحقق هدف مشترکمان می جنگیم. این راه بی بازگشت را تا پایان ادامه می دهیم و کار نیمه تمام مان را با کمک همدیگر تمام می کنیم...»

حمایت تشکل دانشجویان پیشرو از اعتصابها عمومی در کردستان

تشکل دانشجویان پیشرو روز چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴، حمایت خود از فراخوان اعتصاب عمومی در غرب کشور برای روز پنجشنبه ۱۸ دیماه را اعلام کرد. در این فراخوان آمده: «احزاب گوناگون فراخوان اعتصاب عمومی در غرب کشور برای ۱۸م دی ماه صادر کردند؛ این اعتصاب همراهی با اعتراضها سراسری است که امروز وارد ۱۱مین روز خود شد. در این فراخوان با تکیه بر مفاهیمی نظیر "حقوق و آزادی، بازگرداندن کرامت انسانی و پایان دادن به سیاست انکار، محروم سازی، کشتار، ترور و تبعیض های ملی و فرهنگی"، اعتراضها کنونی ادامه انقلاب "زن زندگی آزادی" اعلام شده است...»

تشکل دانشجویان پیشرو به نمایندگی از دانشجویان مبارز، رادیکال و سرنگونی طلب از اقصی نقاط کشور، از این فراخوان اعلام حمایت می کند. ما دانشجویان آتش انقلاب "زن زندگی آزادی" را شعله ور نگاه می داریم...»

تحریم شرکت در امتحانات و همراهی با اعتراضهای سراسری

روز چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان دانشگاه دامغان بیانیه ای در حمایت از اعتراضها سراسری و تحریم امتحانات دانشگاهی صادر کردند. در زیر بخشهایی از آن را می خوانید: «سکوت در برابر شما، مشارکت در جرم و همدستی با جنایتی است که سالها مرتب شده است. ما، دانشجویان دانشگاه دامغان امروز برمی خیزیم و در برابر ظلمی که بر ما و بر مردم این سرزمین روا داشته اید می ایستیم؛

به هراس از تهدیدهای تان... تحصیل در سایه بی عدالتی و سرکوب را مشروع نمی دانیم.

بدانید هیچ آینده ای تیره تر از امروزی که بر ما تحمل کرده اید وجود ندارد.

این بیانیه، شهادت ماست بر فقر، سرکوب و خشونت که بر مردم ایران داشته اید...»

برگزاری مراسم یادبود جانبختگان هوایمی اوکراینی



روز چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴، دانشجویان دانشکده داروسازی تبریز مراسم یادبود ششمین سالگرد جانبختگان هوایمی اوکراینی PS752 را برگزار کردند.

بیانیه در حمایت از اعتراضهای دانشجویان و مردم
روز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴، جمعی از دانشجویان و انجمن علمی دانشجویی اقتدار دانشگاه شهید بهشتی در بیانیه ای حمایت خود را از اعتراضها سراسری اعلام می کنند. در زیر بخشهایی از این بیانیه آمده است: «آنچه امروز در دانشگاهها و خیابانها جریان دارد، نه "اعتراض" است و نه هیجان زود گذر؛ بلکه فریاد انباشته شده نسلی است که سالها زیر بار ناکارآمدی، فساد ساختاری، تصمیمات غیرعلمی و بی توجهی به کرامت انسانی فرسوده شده است.

ما، جمعی از دانشجویان اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی، با صراحت اعلام می کنیم که اعتراضها کنونی، ریشه در واقعیت های انکارناپذیر اقتصادی و اجتماعی دارد. تورم افسارگسیخته، سقوط مداوم قدرت خرید، ناامنی شغلی، فقر فزاینده، و سیاست گذاری هایی که نه بر پایه علم اقتصاد، بلکه بر اساس مصلحت های کوتاه مدت و ایدئولوژیک اتخاذ می شوند.

حمایت ما از اعتراضها دانشجویی و مردمی، حمایتی آگاهانه، مستقلانه و در چارچوب اعتراض مدنی است. ما خشونت را محکوم می کنیم، اما همزمان حق اعتراض، حق انتقاد و حق مطالبه گری را غیرقابل مذاکره می دانیم...»

بیانیه دانشجویان دانشگاه تهران

روز پنجشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۴ جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران در حمایت از اعتراضها مردم در سراسر کشور بیانیه ای صادر کردند. در بخش هایی از آن آمده:

«ما دانشجویان ایران، همواره در بزنگاه های اجتماعی کوشیده ایم مسئولانه در کنار دیگر ارکان جامعه بایستیم و دانشگاه را به عنوان سنگری برای گفت و گو، نقد و پرسشگری زنده نگاه داریم و امروز نیز بدون لکت می گوئیم که صدای دانشجو هرگز خاموش نخواهد شد.»

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: تلگرام دانشجویان پیشرو، حال وش، هرانا، شورای صنفی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر، تلگرام آموزشکده توانا، اینستاگرام انجمن علمی عکاسی دانشگاه هنر، ایران وایر، تلگرام خبرنامه امیرکبیر)

اعتراضات سراسری؛

ریختن شکاف طبقاتی به خیابان

منصور امان

آخرین تراوشهای فلاکت‌زای رژیم ولایت فقیه، دیگ مذاب تضادهای سیاسی - اجتماعی موجود را سر ریز کرده است. شهرهای بزرگ کشور، دانشگاه‌ها و بازارها شاهد انبوه مردمی هستند که برای تغییر وضعیت خود و حل تضادی که گلوی‌شان را می‌فشارد و جان زندگی‌شان را گرفته، به حرکت درآمده‌اند.

بازاریان تهران که آغازگر این اعتراضها بودند، منافع یکسانی را نمایندگی نمی‌کنند. هدفهای تجار بزرگ، واردکنندگان و قشر مرفه سنتی با خواستها و نیازهای خرده‌فروشان، کسبه جزء، کارگران بازار و خدمات‌دهندگان همسان نیست. آنها از مناسبات رانتی و فاسد حاکم بهره می‌برند، مخالفت‌شان درون سیستمی است و در کادر جدال توزیع منابع محدود شده قرار می‌گیرد.



حکم خامنه‌ای

برای سرکوب و کشتار معترضان

زینت میرهائمی



بعد از گذشت ۷ روز از اعتراضهای گسترده و سراسری در کف خیابان، خامنه‌ای قاتل از مخفیگاهش بیرون آمد و فرمان قتل معترضان به اقتصاد ریاضتی را صادر کرد. ولی فقیه ارتجاع مانند همیشه با کاربرد فرمولهای همیشگی؛ «اغتشاشگر»، «دشمن» و «مزدور» نامیدن قیام‌کنندگان، فرمان «سر جایش» نشانیدن مردم معترض را با شلیک گلوله صادر کرد. فرمان کشتار از طرف خامنه‌ای، روز شنبه ۱۳ دی در شهرستان ملکشاهی در ایلام اجرا شد. مزدوران حتا زخمیها را از بیمارستان ربودند. حرفهای تکراری خامنه‌ای واکنشی به کنش آگاهانه و هدفمند قیام‌آفرینان است. باوجود تهاجم وحشیانه مزدوران حکومت، مردم شجاع در هم‌آوردی با استبداد خیابان را ترک نکرده‌اند.

موج حمایت از مردم به پا خواسته و تجمع خانواده‌های دادخواه و بازداشت‌شدگان در روزهای اخیر، نشان از این دارد که مردم ارزشی برای حرفهای خامنه‌ای قائل نبوده و حتا وعده‌های اقتصادی بی پایه دولت و مجلس را باور ندارند.

وعده‌های دولت پزشکیان در هنگامه قیام، با توجه به تصویب کلیات بودجه ۱۴۰۵، از جمله، تک نرخی کردن ارزش، یارانه یک میلیونی (کالابریگ) به هر نفر، افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی حقوق کارکنان دولت، را می‌توان در ردیف عقب نشینی ظاهری برای خواباندن خشم مردم دانست. حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس ارتجاع گفته است که «چند سال بعد با یک میلیون تومان هم مردم نتوانند حتی پفک بخرند.» (ایلنا ۱۵ دی)

تا زمان نوشتن این مطلب (دوشنبه ۱۵ دی) قیام همچنان ادامه دارد. بعد از فرمان خامنه‌ای، ماشین تهدید، اعتراف‌گیری، سناریوسازی و دروغ‌پردازی برای خواباندن صدای عدالتخواهی مردم به کار افتاد. کارگزاران ریز و درشت حکومتی و دل‌پاسان سقوط نظام به میدان آمده تا فرمان «سرجا» نشانیدن خامنه‌ای را عملی کنند.

اژه‌ای قاتل، رئیس قوه قضائیه رژیم، روز دوشنبه ۱۵ دی گفت که در سرکوب معترضان «دیگر خبری از ارفاق و مماشات نخواهد بود». حرف او یعنی این که حتا بعد از اعتراف اجباری هم به عنوان «دشمن» و وابسته به بیگانه مجازات خواهند شد. مجلس نشینی که رای مردم را ندارد (منوچهر متکی) چنان لرزه بر تنش افتاده که گفت: «ذره‌ای اغماض جایز نیست و همانگونه که فرمودند "باید در جای خود بنشینند" و چنین خواهد شد.»

رژیم ولایت فقیه مدت ۴۶ سال، برای امنیت خود با گرداندن کابوس «دشمن» خارجی بر سر مردم، حضور آمریکا و اسرائیل را به مرزهای ایران و حتا داخل خاک ایران کشاند. بار دیگر به بهانه حرفهای پوچ ترامپ و نتانیاهو در رابطه با قیام مردم، سرکوب را توجیه می‌کند. در حالی که از سخن پراکنهایی بی‌مایه ترامپ و نتانیاهو در رابطه با منافع مردم تا ادعاهای رضا پهلوی و ابادی‌اش، نه در جهت آزادی و دموکراسی، بلکه نقش ترمیزی برای به ثمر نرسیدن انقلاب دموکراتیک مردم را بازی می‌کند.

تلاش حکومت برای وصل کردن قیام پر شکوه فرودستان به نیروهای خارجی سیاستی نخ نما شده است. سرنوشت پیکار مردم ایران برای «نان، کار و آزادی» در رویارویی با حکومت جبار ولایت فقیه و همه دارو دسته اش رقم می‌خورد.

فراسوی خبر ... سه شنبه ۱۶ دی

وجود این طیف در میان اعتراضات بازاریان، خطر ناپیگیری و به شکست کشانده شدن خیزش بازار را به یک احتمال واقعی بدل می‌کند. اینان در صورت گرفتن امتیازات مورد نظرشان از حاکمیت، بی‌درنگ به همدست آن برای خاموش کردن اعتراضات تبدیل می‌شوند. وقتی پاسدار قالیباف، پزشکیان و حتی یک جلال قضایی (دادستان کل کشور) از ضرورت «گفتگو با معترضان» و «پاسخگویی» حرف می‌زنند، نگاه‌شان متوجه همانهاست. رژیم ولایت فقیه هرگز با معترضان جز با زبان توهین، گلوله، زندان و اعدام سخن نگفته است و این بار نیز، آنگونه که در صحنه‌های گوناگون در شهرهای مختلف می‌توان دید، حرف دیگری برای گفتن ندارد.

برخلاف کلان بازاریان، برآورده شدن خواسته‌های کسبه جزء به دلیل ارتباط مستقیم کسب و کارشان با وضعیت اقتصادی جامعه و توان مالی مصرف‌کنندگان، مشروط به تغییر بنیادی مناسبات اقتصادی و دستگاه سیاسی است که آن را برقرار و به این نقطه رسانده است. تا هنگامی که دارایی و ثروت کشور صرف مخارج فساد حکومتی، بحران خارجی، نیابتی‌پروری، شهرهای موشکی و ماجراجویی هسته‌ای می‌شود، چرخه به زیر خط فقر راندن جامعه و کوتاه شدن دست آن از خرید نیازها و دلخوشیهایش متوقف نخواهد شد. بهبود شرایط خرده‌فروشان و کارگران بازار به بهبود توان معیشتی مشتریان آنها گره خورده است. رابطه اقتصادی موجود بین این دو را تعلیق این یا آن قانون و اصلاح چند آیین‌نامه و دستور نمی‌تواند تغییر دهد.

ورود جنبش دانشجویی به اعتراضها و پشتیبانی آنها از خواسته‌های بازاریان، فاکتور نیرومندی است که وزنه حرکت را به سود این دسته از نیروها سنگین می‌کند. همزمان، با فراگیر شدن حرکت و پیوستن اقشار اجتماعی دیگر بدان، چشم‌انداز رادیکالیزه‌تر شدن مطالبات و طرح هدفهای جمعی روشن‌تر گردیده است. تظاهرات سه روز گذشته که از نظر ترکیب جمعیتی متنوع‌تر بود، پایه‌های عینی این سمتگیری است.

فراسوی خبر ... پنجشنبه ۱۱ دی

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، امیر ابراهیمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 498 /21 January 2026

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe>

شهیدان فدایی در ماه بهمن



پوران یدالهی، بهروز عبدی، یوسف زرکاری، فتح علی پناهیان، جعفر پناهی، خسرو گلسرخی، کرامت دانشیان، سعید پایان، فاطمه افدرنیا، عبدال مجید پیرزاده جهرمی، جعفر محتشمی، مسعود پرورش، مصطفی دقیق همدانی، حسن توسلی، کیکاووس رهگذر، حمید مومنی، محمد علی خسروی اردبیلی (داداشی)، حمید رضا هزارخانی، انوشه فضیلت کلام، کیومرث سنجری، حسن جان فرجودی کیاکالیه (لنگرود)،

حسین چوخالچی برادران، محمد کاسه چی، محسن نوربخش، اصغر (جعفر) پشامی، قاسم سیادتی، ناصر گارسه چی، خسرو پناهی، مهدی اقتدارمنش، محسن نیک مرام، محمدجواد عرفانیان، اکبر پارسی کیا، هاییل امیرخیز، عباس تبریزی، لطف الله صادقی نراقی (نداف)، بابک طلپسچی سیلابی، حمید عبدالزاده، شیرمحمد درخشنده (توماج)، عبدال کریم مختوم، طواق محمد واحدی، حسین جرجانی، حاجقلی نورقلی پور، انین (عبدال جلیل) گوگلانی، نعمت احمدی، محمد طاهر رحیمی، محسن بطحایی، جهانگیر قلعه میاندوآب (جهان)، ابوالقاسم همتی، فرشاد مرعشی، محمود جنتی، محمد امین نورائی، محمدحسن بهادری طولابی، محمدجواد شریفی، عادل خونا میردشتی، کریم شیخی، سعید عتیقی، احمد (حسین) معادی، علی ریاحی، فیروز آقامیرزاده، محمود امین زاده، مسعود رحمتی، حسن محمدپور، علی نوذری، بهنام (شهرام) قاسم زاده رضوی، جعفر (حر) رضایی، ابراهیم (شریف) کردی، مراد (حیدر) میرزایی، اسد (شاهو) یزدانی، اسماعیل (سمکو) برزگر، فریدون بانه ای، فاطمه محمدی، روح الله ملکاتی نژاد، غلام (حمید) زندی، احمد محمدی، محمد (وریا) رضوی، صمد حسین زهی، منصور حبیبی زاده، هادی محمدیان، مرتضی (ایوب) کریمی، مهرداد اردوان، مینا ضامنیان، محمد اسماعیل رودگریان و... در مبارزه قهرمانانه علیه رژیمهای شاه و خمینی برای نابودی دیکتاتوری، ارتجاع و امپریالیسم و استقرار دموکراسی و سوسیالیسم طی سالهای ۱۳۵۰ تاکنون به شهادت رسیدند.

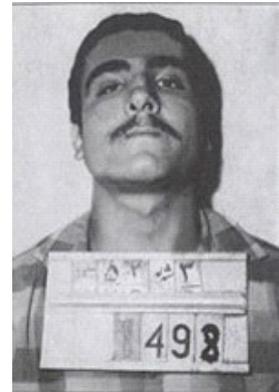
یادواره شهیدان فدایی

فدایی شهید رفیق مسعود پرورش

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

خانه تیمی بودند به شهادت می رسند. طبق همین گزارش، ساواک یک مسلسل، پنج اسلحه کمری مقادیری فشنگ - کوکتل مولوتف پنج نارنجک، هفتاد کیلو مواد منفجره ماشین چاپ و اسناد و مدارک (نشریات گروهها) و... در این خانه کشف می کند.»

یادش و نامش جاودان



رفیق مسعود پرورش در سال ۱۳۳۲ در قزوین به دنیا آمد. پس از پایان دوره تحصیل متوسطه، در سال ۱۳۵۰ وارد دانشگاه صنعتی تهران شد. در دانشگاه به فعالیت سیاسی روی آورد و از طریق رفقا معصوم خانی، کامیابی و

رفیق مسعود پرورش

جهرمی به سازمان پیوست. پس از این که وارد زندگی مخفی شد، در تیم تبریز سازماندهی شد. در پی ضربات سال ۱۳۵۴ به سازمان، ساواک به سرنخهایی دست پیدا کرد. با پیگیری این اسناد ضربه های گسترده به خانه های تیمی از جمله خانه تیمی تبریز شد. یورش ماموران سرکوبگر ساواک با مقاومت باور نکردنی روبرو می شود تا جایی که در مورد تعداد افراد داخل خانه تردید می کنند. در شماره ۴۸۵ ماهنامه نبرد خلق پیرامون شهادت رفیق عبدالمجید پیرزاده جهرمی آمده است: «بر اساس گزارش ساواک تبریز ساعت پنج صبح ششم بهمن ۱۳۵۴ خانه ای مورد سو ظن با شش اکیپ عملیاتی محاصره و مورد حمله قرار می گیرد و افراد خانه متقابلا به دفاع برخاسته و درگیری تا ساعت ده صبح ادامه پیدا می کند. در این حمله چهار فدایی خلق؛ رفقا مسعود پرورش، جعفر محتشمی، فاطمه افدر نیا و مجید پیرزاده که اعضای این

